

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

جلسه ۶: مقدمه‌ای بر انجیل متی، بخش ۱

دکتر تد هیلدبرانت

الف. مقدمه [۰۰:۰۰-۰۱:۱۰]

؛ ۰۰:۰۰-۰۹:۱۵؛ مقدمه به متیو آکروستیک AC الف (ترکیب)

این دکتر تد هیلدبرانت است که در سخنرانی شماره ۶ دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید خود، درباره ویژگی‌های آغازین کتاب متی سخنرانی می‌کند.

به دوره تاریخ و الهیات عهد جدید خوش آمدید؛ ما پیشینه، ایرانیان، یونانیان، مکابیان و تارومیان را بررسی کرده‌ایم. سپس به سوال الهام، مشروعیت، فرآیند جمع‌آوری، فرآیند رونویسی و رونویسی مکرر توسط کاتبان و نحوه ارزیابی آن می‌پردازیم. دفعه قبل در مورد ترجمه‌ها و ترجمه‌های مختلف و نحوه انجام آن صحبت کردیم. بنابراین، ما الهام، مشروعیت، انتقال و ترجمه را بررسی کردیم. اکنون، بالاخره، بالاخره برای کتاب متی آماده‌ایم. بنابراین امروز نوعی شروع است، ما به کتاب متی می‌پردازیم و به تصویر بزرگتری نگاه می‌کنیم. بدیهی است که ما به تفصیل آن را بررسی نخواهیم کرد، اما شما درک خوبی از کتاب خواهید داشت.

ب. انجیل‌ها: نویسندگان و مخاطبان [۰۱:۱۰-۰۵:۲۶]

بنابراین می‌خواهم از انجیل متی و اساساً با داستان متی شروع کنم. می‌خواهم کل بحثمان را بر اساس این نوع آکروستیک در اینجا، با مضامین متی سازماندهی کنم. بنابراین اساساً چیزی که می‌خواهم بگویم این است که متی روشمند است. اینکه چگونه متی را روشمند می‌دانیم این است که دو انجیل دیگر داریم، مرقس و لوقا، و متی را با مرقس و لوقا مقایسه می‌کنیم و می‌بینیم چه تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد. چیزی که می‌خواهم پیشنهاد کنم این است که متی روشمند است. ضمناً، با شروع از این چند انجیل، در واقع چهار انجیل درست داریم. متی، مرقس و لوقا را داریم، آن سه انجیل هم‌نوا نامیده می‌شوند. بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت، هم‌نواشناسی، به معنی «با یک چشم»، به عبارت دیگر، متی، مرقس و لوقا همگی به نظر می‌رسد که عیسی را از این منظر واحد می‌بینند. به همین دلیل است که به آنها انجیل‌های هم‌نوا می‌گویند، زیرا عیسی را با یک چشم می‌بینند. انجیل دیگر، یوحنا، در بیش از نود درصد موارد، مسیح را بسیار متفاوت می‌بیند. انجیل یوحنا کاملاً با داستان‌های متی، مرقس و لوقا متفاوت است. بنابراین شما دیدگاه کاملاً متفاوتی دارید و برخی از مردم از این تفاوت‌ها ناراحت می‌شوند (ما برخی از تفاوت‌های بین متی، مرقس و لوقا و یوحنا را به شما نشان خواهیم داد). (من به تفاوت‌ها نگاه می‌کنم و خدا را برای این تفاوت‌ها شکر می‌کنم. آیا مردم داستان‌ها را متفاوت تعریف می‌کنند؟ بنابراین متی به عنوان یک باجگیر، داستان را متفاوت از مرقس، که ظاهراً در آن زمان مرد جوانی اهل اورشلیم بوده است، روایت خواهد

کرد. لوقا هرگز عیسی را ملاقات نکرده است. لوقا بیشتر یک مورخ، یک پزشک خواهد بود و بنابراین دیدگاه او با یوحنا که ماهیگیری بود که عیسی او را در کنار دریای جلیل صدا زد، بسیار متفاوت خواهد بود. بنابراین شما این چهار نفر مختلف را با دیدگاه‌های مختلف خود دارید. بنابراین هر یک از آنها از دیدگاه نویسنده، دیدگاه متفاوتی دارند. از آنچه در زندگی عیسی آموخته‌اند، دارند.

چه نوع مخاطبی است؟ شما داستان را بسته به مخاطبی که خطاب قرار می‌دهید، متفاوت تعریف مخاطب آنها می‌کنید. یکی از نمونه‌های کلاسیک برای من در مورد کسی که داستان تعریف می‌کند، پسر است که تازه از افغانستان برگشته و با خانواده‌اش داستان تعریف می‌کرد. بچه‌های ما آنجا بودند و او داستان تعریف می‌کرد. او یک قصه‌گوی عالی است - و بنابراین آنها می‌خندند و خوش می‌گذرانند و داستان‌ها شما را شگفت‌زده می‌کنند. آنها واقعاً داستان‌های خنده‌داری هستند و بنابراین همه ما به داستان‌ها می‌خندیم. سپس بچه‌ها برای سوار کردن پسر دیگرم، زک، به فرودگاه رفتند و به محض اینکه بچه‌ها از اتاق خارج شدند، پسر شروع به تعریف داستان‌های مختلف برای من و همسرم کرد. به جای خندیدن، داستان‌هایی بودند که تقریباً ما را به گریه انداختند. بنابراین چیزی که من می‌گویم این است که می‌توانید داستان‌های یکسانی را تعریف کنید، و برخی از داستان‌های او را چندین بار شنیده‌ام و چون سه بار آن را شنیده‌ام، می‌شنوم که او آن را برای مخاطبان مختلف تعریف می‌کند، او بر چیزهای مختلفی تأکید می‌کند. سپس وقتی با او در ماشین تنها هستید، ناگهان او دلیل پشت همه آن داستان‌ها را برای شما می‌گوید و همه آنها را به هم ربط می‌دهد. بنابراین مردم داستان‌ها را متفاوت تعریف می‌کنند. و بنابراین کلیسا به جای اینکه بخواهد آن را یکپارچه ببیند و سعی کند آن را به جایی برساند که همه داستان‌ها دقیقاً یکسان هستند، این را نمی‌خواست. کلیسا می‌خواست داستان‌های مختلف عیسی روایت شود. انگار که چرا دو چشم دارید؟ اگر از یک چشم نابینا باشید، هیچ درک عمقی ندارید و بنابراین دو چشم دارید. آنها در واقع دوربین‌هایی با دو لنز در جلو دارند تا بتوانید عمق میدان، این حس سه‌بعدی را به دست آورید. در مورد عیسی، چهار انجیل با چهار برداشت متفاوت از عیسی به شما داده می‌شود. یوحنا می‌گوید اگر قرار باشد هر آنچه عیسی گفته و انجام داده را بنویسیم، تمام کتاب‌های جهان نمی‌توانند آن را در خود جای دهند. بنابراین ما چهار عکس و دیدگاه مختلف از عیسی داریم و این مفید است. وقتی به جاهایی می‌رسیم که بین انجیل‌ها اختلاف نظر وجود دارد، دست‌هایتان را بالا نبرید و نگویید که اختلاف نظر شما را آزار می‌دهد. نه، این فوق‌العاده است - ما می‌خواهیم بتوانیم دیدگاه‌های مختلف در مورد عیسی را ببینیم.

### ج. مرور کلی - متیوز آکروستیک [9:15-5:26]

متی وقتی آنها را با مرقس و لوقا مقایسه می‌کنیم و بعداً به آن خواهیم پرداخت. نکته دومی که می‌خواهیم بگیریم، "A" من این کار را کردم تا بتوانم از آن یک [A] به آن پردازیم این است که انجیل متی، رسولی است

اما متی در مورد شاگردی صحبت می‌کند. شاگردی یک موضوع اصلی در کتاب است. عیسی در کتاب متی به عنوان یک معلم به تصویر کشیده شده است. او به نوعی به عنوان یک موسی دوم، یک موسی جدید دیده می‌شود و شما این مضمون موسی جدید را دریافت می‌کنید. عیسی، موسی جدید است که تعالیم خود را به شاگردانش می‌دهد. پس شاگرد عیسی مسیح بودن به چه معناست؟ متی آنها را به عنوان معلمی که عیسی شاگردانش را صدا می‌زند، توسعه خواهد داد.

مسیح صحبت خواهیم کرد. الهیات [T] بنابراین ما شاگردی یا رسالت داریم و سپس در مورد الهیات مسیح چیست؟ همانطور که به تصویر کتاب مقدس نگاه می‌کنیم، عیسی مسیح به عنوان پادشاه به تصویر کشیده شده است. در متی فصل ۱ آیه ۱ آمده است: «عیسی مسیح پسر داوود». «چرا متی با «عیسی مسیح پسر داوود» شروع می‌کند؟ «پسر ابراهیم، پسر داوود» - او آن را با داوود شروع می‌کند زیرا قرار است عیسی را به عنوان پادشاه به تصویر بکشد. کتاب متی، عیسی را به عنوان پسر داوود، مسیح، به تصویر می‌کشد.

در کتاب متی خواهیم پرداخت. او توجه زیادی به گذشته خواهد داشت. متی، بیش [T] ما همچنین به زمان از هر انجیل دیگری، از عهد عتیق نقل قول خواهد کرد. او احتمالاً برای مخاطبان یهودی می‌نویسد، بنابراین چیزهای زیادی از عهد عتیق نقل قول خواهد کرد و به گذشته اشاره خواهد کرد. او چیزهای زیادی در مورد عیسی در زمان حال به ما خواهد گفت و 5 خطبه بزرگ عیسی، پنج گفت‌وگو بزرگ عیسی که در متی یافت می‌شود را به ما ارائه خواهد داد. این چیزی شبیه به پنج کتاب جدید موسی است، عیسی پنج کتاب جدید را ارائه خواهد داد. شما خطبه سر کوه و گفت‌وگو زیتون را می‌شناسید. عیسی همچنین در کتاب متی در گفت‌وگو زیتون، چند فصل را بر آینده متمرکز خواهد کرد. آینده چگونه با حال ارتباط پیدا می‌کند، پادشاهی آینده چگونه با پادشاهی که اکنون در درون ماست مقایسه می‌شود؟ متی این تنش را خواهد داشت که ما آن را ... دکتر دیو متیسون می‌نامیم که قبلاً در کالج گوردون تدریس می‌کرد، همیشه دوست داشت بگوید: "در حال حاضر اما هنوز نه." من معتقدم که جورج الدون لاد بود که گفت: «آنچه از قبل وجود داشته اما هنوز نه» بنابراین، این تنش در انجیل بین آنچه از قبل در کلیسا وجود دارد و آنچه هنوز نیامده است، وجود خواهد داشت. بنابراین شما این تنش را بین آنچه از قبل وجود داشته و آنچه هنوز نیامده است، می‌بینید. ما به این موضوع و نحوه پوشش این دیدگاه زمانی توسط متی خواهیم پرداخت.

دیدگاه عبری را در این کتاب نشان خواهیم داد. کتاب متی بسیار عبری‌محور، بسیار «H» سپس یهودی‌محور است و مخاطبان بسیار یهودی دارد. برخی حتی تصور می‌کردند که کتاب متی به زبان آرامی نوشته شده و به یونانی ترجمه شده است. در مورد مزایا و معایب آن بحث می‌شود، اما به نظر می‌رسد که برای مخاطبان یهودی، مخاطبان عبری نوشته شده است. در حالی که برای مخاطبان یهودی نوشته شده است، کتاب همچنین از

بنابراین گسترده است زیرا جنبه [E] نظر پوشش غیریهودیان (افرادی که غیریهودی هستند) گسترده است غیریهودی در کتاب دارد که همیشه مورد توجه قرار می‌گیرد - و ما به برخی از آن جنبه غیریهودی خواهیم آغاز انجیل و پایان انجیل به ما می‌گوید که ما باید شاهد مسیح باشیم، و بنابراین به [W] پرداخت سپس شاهد نگاه خواهیم کرد، سبک نگارش او در [S] مفهوم شاهد خواهیم پرداخت. در نهایت، به طور خلاصه به سبک متی مقایسه با سایر نویسندگان انجیل چیست. نمی‌دانم می‌توانی آن را ببینی یا نه، متیو، و چیزی که اینجا داریم اسم متیو است که آخرش یک «س» دارد، تا بحث‌هایمان را در حین صحبت کردن مرتب کند. بابت این شعر مسخره ببخشید، اما من اینطور به خاطر می‌آورم.

#### د. روشمند [م] - متی و مرقس [۹:۱۵-۴۹:۱۲]

؛ 18:26-9:15؛ متی روشمند است) ر.ک. مرقس/لوقا (DF) ب: ترکیب

بنابراین می‌خواهیم با نگاهی روشمند به متی شروع کنیم. داستان متی، او چگونه داستان می‌گوید؟ متی چه تفاوتی با مرقس دارد؟ بسیاری از مردم مرقس را در اولویت می‌پذیرند، یعنی اینکه مرقس ابتدا نوشته و سپس متی دوم نوشته است. متی مطالب زیادی را از کتاب مرقس و لوقا استخراج می‌کند. بنابراین لوقا به مرقس وابسته است و متی به مرقس وابسته است. آنها چه تفاوتی دارند؟ متی چگونه مطالب را مطابق با اهداف و مخاطبانش تغییر داد؟ متی چه تفاوتی با لوقا دارد؟ می‌دانید، متی و لوقا، هر دو احتمالاً از مرقس استخراج می‌کنند و از مرقس خبر داشتند. لوقا از ابتدا به ما می‌گوید که هرگز عیسی را ملاقات نکرده است، اما در حال انجام کار تاریخی با شاهدان عینی است. لوقا به طور خاص اشاره می‌کند که او شاهدان عینی را جذب می‌کند و داستان را برای تئوفیلوس سازماندهی می‌کند - او برای تئوفیلوس عالیقدر می‌نویسد، از سوی دیگر، به نظر می‌رسد متی برای یهودیان می‌نویسد.

نکته، مطالب منحصر به فرد است - آنچه در مورد متی منحصر به فرد است، او دیدگاه خود را به ما خواهد گفت و واقعاً سعی در انتقال چه چیزی دارد. شما می‌خواهید به تفاوت‌های لوقا، متی و مرقس نگاه کنید تا دیدگاه منحصر به فرد او را نشان دهید و به ما کمک کنید تا برداشت منحصر به فرد او از عیسی و آنچه را که سعی در انجام آن دارد، پیدا کنیم. بنابراین اول از همه، می‌خواهیم رابطه متی با مرقس را توسعه دهیم و یکی از این موارد این است که متی در اینجا می‌گوید: "بیانات مختصر مرقس را بسط می‌دهد." مرقس عبارات مختصری دارد، مرقس کتاب کوتاه‌تری است - مرقس ۱۶ فصل دارد و فصل‌ها کوتاه هستند - متی کتاب طولانی‌تری است، فصل. بنابراین عباراتی مانند این از مرقس می‌آید، حالا این را بررسی کنید، شما وسوسه مسیح را در کتاب ۲۸ متی خوانده‌اید. در اینجا وسوسه مسیح است، بیایید اول از همه، وسوسه مسیح را در کتاب متی مرور کنیم. از کتاب مقدس تصویری، آیا به یاد دارید که آن در کدام فصل است؟ وسوسه مسیح در متی فصل ۴ آمده است، عیسی

توسط روح به بیابان هدایت می‌شود و در بیابان شیطان نزد او می‌آید و او می‌گوید چه؟ این سنگ‌ها را به نان تبدیل کنید. عیسی با استفاده از قانون عهد عتیق در تثنیه پاسخ می‌دهد: «انسان فقط با نان زندگی نمی‌کند.» سپس شیطان او را به بالای معبد می‌برد (برای برخی از شما که از برنامه «گمشده در اورشلیم» استفاده می‌کنید، می‌توانید بروید و ببینید که قله معبد کجا بوده است - اخیراً، در واقع یک دیوار قرن پانزدهمی در آنجا وجود دارد، اساساً در همان مکان). (عیسی می‌گوید: «بسیار خب»، و بنابراین او عیسی را به بالای معبد می‌برد و می‌گوید خودت را به پایین بینداز. حالا شیطان از عهد عتیق نقل قول می‌کند و می‌گوید: «فرشتگان [از کتاب مزامیر] تو را بلند خواهند کرد تا پایت به سنگ نخورد.» و عیسی دوباره از تثنیه نقل قول می‌کند و به شیطان می‌گوید: «خداوند، خدای خود را وسوسه نکن.» بار سوم، شیطان او را به کوه‌های بلند می‌برد، برخی فکر می‌کنند که آنجا کوه حرمون است، در شمال آنجا. او تمام پادشاهی‌های جهان را به او نشان می‌دهد و می‌گوید: «اگر در برابر من تعظیم کنی و مرا پرستی، تمام این پادشاهی‌ها را به تو خواهم داد.» عیسی می‌گوید: «ای شیطان، از اینجا بیرون برو، تو فقط باید خداوند، خدای خود را پرستی.» [دوباره،] او [با نقل قول از کتاب تثنیه به شیطان پاسخ می‌دهد. بنابراین عیسی سه تعامل با شیطان دارد؛ سنگ به نان، خود را از معبد مرتفع به پایین پرتاب کردن، و سپس از بالای کوه تمام پادشاهی‌هایی را که به تو خواهم داد

#### ه. وسوسه در انجیل مرقس [۴۹:۱۲-۰۲:۱۵]

این وسوسه مسیح در کتاب مرقس است: «بلافاصله [این فصل اول، آیه ۱۲ و بعد از آن است] روح او را به بیابان فرستاد، او ۴۰ روز در بیابان بود و توسط شیطان وسوسه می‌شد. او با حیوانات وحشی بود و فرشتگان در خدمت او بودند.» این پایان وسوسه مسیح در مرقس است. شما می‌گویید، «در مورد سنگ‌ها برای نان، در مورد معبد مرتفع چه؟ هیچ اشاره‌ای به هیچ یک از وسوسه‌ها نمی‌کند، فقط می‌گوید که...» او آنجا بود که توسط شیطان وسوسه می‌شد. او با حیوانات وحشی بود. «حالا می‌گویید، «بسیار خب، متی در مورد حیوانات وحشی به ما چیزی نگفت.» به نظر می‌رسد مرقس در حال گرفتن اطلاعات در مورد حیوانات وحشی است و فرشتگان در خدمت او بودند. دوباره چیزهایی در آنجا نیست، و شما می‌گویید چرا مرقس گفت، «حیوانات وحشی و فرشتگان در خدمت او بودند.» چرا او این را آورده است؟ مرقس احتمالاً برای مخاطبان رومی می‌نویسد، ببینید آیا می‌توانید این را بفهمید، بنابراین «حیوانات وحشی و فرشتگانی که او را همراهی می‌کنند» با آن مطابقت دارد. متی به این اشاره نمی‌کند، او به تعامل عیسی با شیطان «هاساتان [شیطان/ متهم‌کننده]» اشاره می‌کند، همانطور که عهد عتیق او را اینگونه می‌نامد، و سپس اساساً او را به سه مکان که در یهودیت شناخته شده هستند، می‌برد. از بیابان «آیا مضمون دوم موسی را می‌بینید - از بیابان که توسط شیطان وسوسه می‌شود. بنابراین متی برداشت متفاوتی دارد، او سه جنبه از داستان را بسط می‌دهد. بنابراین متی خلاصه می‌کند، اظهارات کوتاه مرقس را می‌گیرد و آنها را باز می‌کند - این کتاب متی است. نکته دوم در اینجا، وسوسه، که ما در مورد آن صحبت کردیم،

فصل ۱ آیات ۱۲-۱۳ مرقس به فصل ۴ آیات ۱-۱۱ متی گسترش می‌یابد. چرا متی آن را اینگونه بسط می‌دهد، عیسی به عنوان یک اسرائیل جدید نشان داده می‌شود. و همانطور که اسرائیل در بیابان وسوسه شد و سپس شکست خورد، اکنون عیسی، اسرائیل جدید، در بیابان فقط او موفق می‌شود. او در برابر وسوسه شیطان مقاومت می‌کند. بنابراین عیسی به عنوان اسرائیل جدید در این متن از کتاب متی شرح داده شده است.

### و. موعظه بالای کوه - موعظه پادشاهی [۱۸:۲۶-۱۵:۰۲]

حالا در مورد موعظه پادشاهی، در کتاب مرقس، فصل ۱:۱۴، اشاره می‌کند که عیسی پادشاهی خدا را موعظه می‌کرد. در آنجا [اجازه دهید فقط این بخش را در فصل ۱:۱۴ بخوانم] آمده است: «پس از آنکه یحیی به زندان افتاد، عیسی به جلیل رفت و مژده خدا را اعلام کرد، زمان آن فرا رسیده است، «او گفت،» پادشاهی خدا نزدیک است، توبه کنید و به مژده ایمان بیاورید.» مژده برای مرقس چیز بزرگی است - «توبه کنید و به مژده ایمان بیاورید.» این پایان آموزه‌های عیسی در مورد پادشاهی خدا در آنجا است. حالا وقتی وارد کتاب متی می‌شوید چه اتفاقی می‌افتد؟ در متی، عیسی (همانطور که قبلاً گفتم (به عنوان این شخصیت موسی جدید به تصویر کشیده می‌شود و به عنوان یک موسی جدید، آموزه‌های خود را در این گفت‌وگوها ارائه می‌دهد. بنابراین آنچه شما یا خطبه سر کوه است، و آنچه اتفاق می‌افتد این است که متی یک یا دو آیه در مرقس را می‌گیرد، SOM دارید پادشاهی آسمان نزدیک است، توبه کنید و ایمان بیاورید.» این چیزی است که مرقس می‌گوید. متی این را «می‌گیرد و در موعظه بالای کوه آن را باز می‌کند»

اگر هر یک از شما ترجمه با حروف قرمز را در کتاب مقدس که سخنان عیسی با حروف قرمز است، دارید، می‌دانید که این ترجمه از فصل‌های ۵، ۶ و ۷ آغاز می‌شود. سه فصل کامل با خوشحال‌ها شروع می‌شود: خوشا به حال فقیران در روح، خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه هستند، خوشا به حال شما وقتی مردم شما «را آزار می‌دهند، خوشا به حال شما، خوشا به حال کسانی که شما را آزار می‌دهند»... او به پایین می‌رود و در مورد آن، دعای ربانی، «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد» و موعظه سر کوه، «داوری نکن تا مورد داوری قرار نگیری.» (در فصل ۷، قانون طلایی) «با دیگران رفتار کن قبل از اینکه آنها با تو رفتار کنند.» منظورم این است که «با دیگران آنچه را که می‌خواهی با تو رفتار کنند، با آنها رفتار کن.» - همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش. عیسی همه این موارد را در موعظه سر کوه - در سه فصل در مورد آموزه‌های عیسی در مورد پادشاهی در متی فصل‌های ۵، ۶ و ۷ - بسط می‌دهد.

موعظه‌ی بالای کوه پیام فوق‌العاده‌ای است، اتفاقاً برخی کلیساها، اگر در کشور یا جهان سفر کنید، می‌بینید که برخی کلیساها بر بخش‌های مختلفی از کتاب مقدس تأکید می‌کنند و من می‌دانم که کلیساهای خاصی وجود دارند که بر موعظه‌ی بالای کوه، موعظه‌ی بالای کوه، موعظه‌ی بالای کوه تأکید دارند - تنها کاری که آنها

انجام می‌دهند آموزش موعظه‌ی بالای کوه است. موعظه‌ی بالای کوه فوق‌العاده است و این خلاصه‌ای از آموزه‌های عیسی است و جای بسیار خوبی برای شروع با آموزه‌های عیسی است. اما عیسی چیزهای دیگری نیز آموخت و حواریون چیزهایی آموختند و عهد عتیق چیزهایی آموخت. بنابراین شما باید کل کتاب مقدس را در نظر بگیرید، بنابراین باید در مورد اولویت دادن به آنچه که آنها یک کتاب مقدس در یک کتاب مقدس می‌نامند، مراقب باشید. در جایی که بخش‌هایی از کتاب مقدس وجود دارد که شما آنها را می‌پذیرید و بر دیگران تأکید می‌کنید. در این دوره و در این کلاس می‌بینید که ما تمام کتاب مقدس را به عنوان کلام خدا می‌بینیم و هیچ یک از آنها را برتر نمی‌دانیم. پیدایش مهم است، متی مهم است، همه آنها مهم هستند؛ همه آنها بخشی از کلام خدا هستند، و شما رومیان را بر کتاب یعقوب برتری نمی‌دهید. آنها کلام خدا هستند و بنابراین ما سعی می‌کنیم همه آنها را بفهمیم. موعظه بالای کوه یک متن واقعاً خاص و خارق‌العاده است، اما باز هم در مرقس یک یا دو آیه است، در متی به سه فصل می‌رسد. بنابراین متی جملات کوتاه مرقس را بسط می‌دهد.

### ز. سخنان و اعمال عیسی [20:29-18:26]

؛ 28:29-18:26؛ متی. آثار را مختصر و کلمات را طولانی می‌کند GI ج: ترکیب

#### عیسی

چرا متی بیشتر به سخنان عیسی می‌پردازد در حالی که مرقس بیشتر به اعمال عیسی می‌پردازد؟ متی این سخنان و آموزه‌های عیسی را بسط می‌دهد، عمدتاً به این دلیل که فکر می‌کنم او سعی دارد عیسی را به عنوان موسی جدید به تصویر بکشد - و آموزه‌های موسی، اسفار پنجگانه، پنج کتاب، پیدایش تا تثنیه، پنج کتاب اول کتاب مقدس. بنابراین آنچه اتفاق می‌افتد این است که متی عیسی را برای این یهودیان الگو قرار می‌دهد، او عیسی را از موسی الگو قرار می‌دهد و موسی در اسفار پنجگانه و در تورات و در پنج کتاب اول کتاب مقدس، پیدایش تا تثنیه و ارتباط موسی با کوه سینا تعلیم می‌دهد. با این حال، مرقس برای مخاطبان رومی می‌نویسد، بنابراین مرقس بیشتر به کارهای عیسی می‌پردازد، عیسی این کار را کرد و عیسی آن کار را کرد. این کتاب چیز زیادی در مورد آنچه عیسی تعلیم داد به ما نمی‌گوید، بلکه در مورد آنچه عیسی انجام داد به ما می‌گوید - اتفاقاً برخی از مردم بیشتر بر تعلیم تمرکز دارند و برخی بیشتر بر اعمال و آنچه عیسی واقعاً انجام داد. مرقس به خاطر مخاطبانش و من فکر می‌کنم خودش در همان مسیر آثار عیسی رفت. در نهایت، فکر می‌کنم باید در مورد مخاطبان بپرسید؛ به نظر می‌رسد مخاطبان مرقس بیشتر رومی هستند. آنها بیشتر به اعمالی که از پیشینه رومی هستند علاقه‌مند خواهند بود. یهودیان بیشتر به آموزه‌های عیسی علاقه‌مند خواهند بود، زیرا عیسی را به عنوان ربی بزرگ، معلم ربانی می‌بینند. متی بر آموزه‌های عیسی حول پنج گفتمان تمرکز خواهد کرد. کل کتاب متی حول این پنج گفتمان ساخته خواهد شد. چیزی که من به شما پیشنهاد می‌دهم، همانطور که دیگران پیشنهاد داده‌اند و من فقط آن را تقلید می‌کنم، این است که این پنج گفتمانی که متی حول آن ساخته شده است، برای الگو قرار دادن عیسی به عنوان موسی جدید

ساخته شده است. موسی پنج کتاب داشت، پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه. عیسی اکنون پنج آموزه/گفتمان اصلی در کتاب متی دارد، بنابراین فکر می‌کنم دلایلی برای این حرکات وجود دارد. متی روشمند است.

## H. Matthew Condenses [20:29-25:09]

این واقعاً خیرمکننده است؛ متی واقعاً خلاصه می‌کند. با این حال، کتاب متی بسیار بزرگتر از کتاب مرقس است. انتظار می‌رود همه چیز در مرقس به صورت خلاصه باشد، بسیار کوچک و مانند یک هسته باشد. هسته در کتاب مرقس است و کاری که متی انجام می‌دهد این است که آن هسته را آشکار می‌کند و بنابراین آنچه را که ما در دو یا سه آیه از مرقس بررسی خواهیم کرد، شما کل فصل را در متی بررسی می‌کنید. انتظار دارید که متی آن هسته را آشکار کند. چیزی که اینجا دارید این است که در مورد آثار عیسی اینگونه نیست.

مثلاً ما دیوزده‌ها را داریم، دیوزده‌های گاداری. عیسی به سراغ این مرد می‌آید - آن مرد خودش را زخمی می‌کند، مثله یک آدم تیغ‌زن است. او در قبرستان است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. عیسی به سمتش می‌رود و می‌گوید: «هی، تو در این مرد کی هستی؟» «آن مرد می‌گوید:» «خب، ما یک لشکر هستیم»، چون این مرد دیوهای زیادی دارد، آنها یک لشکر بودند. آنها از عیسی التماس می‌کنند که «ما را بیرون نکن یا کار بدی با ما نکن. چرا ما را به آن خوک‌های آنجا نمی‌اندازی؟» «بنابراین عیسی لشکر دیو را به درون خوک‌ها می‌ریزد و خوک‌ها به دریای جلیل می‌افتند و هلاک می‌شوند.

این مرد، دیوزده‌ی گادارنی، می‌خواهد برگردد، می‌خواهد با عیسی برود و عیسی می‌گوید نه. او به او می‌گوید که برگردد و کار بزرگی را که خدا برایش انجام داده است، تعریف کند. چه داستان فوق‌العاده‌ای. یا گروهی داستان دیوزده‌ی گادارنی را Casting Crowns آهنگ‌هایی در مورد این داستان وجود دارد. گروه می‌خوانند. این یک داستان فوق‌العاده است زیرا، به یک معنا، همه ما تا زمانی که توسط عیسی آزاد نشویم، تسخیر شده توسط دیو هستیم. بنابراین، اما نکته جالب اینجاست که مرقس داستان دیوزده‌ی گارگاسنی و دیوزده شدن در خوک‌ها را روایت می‌کند و داستان ۳۲۶ کلمه دارد. متی همین داستان را روایت می‌کند، دو دیوزده در ... گادارین -- در واقع دو نفر هستند، نه فقط آن کسی که مرقس درباره‌اش می‌گوید -- و داستان فقط ۱۳۴ کلمه است. بنابراین متی داستان مرقس را که بیش از سیصد کلمه است، می‌گیرد و آن را به حدود صد کلمه خلاصه می‌کند. بنابراین متی آن داستان را در مرقس می‌گیرد، به جای اینکه داستان را بسط دهد، کاری که عیسی با بیرون راندن شیاطین به درون خوک‌ها انجام داد، او داستان را به یک سوم آنچه در مرقس است، تقلیل می‌دهد. بنابراین می‌بینید که متی سخنان عیسی را می‌گیرد و آنها را اغراق‌آمیز بیان می‌کند، اما اعمال عیسی را می‌گیرد و آنها را خلاصه می‌کند. بنابراین داستان یک سوم اندازه‌ی است که در مرقس وجود دارد. نکته واقعی که اکنون در پاورپوینت به آن اشاره می‌کنیم این است که مرقس ۳۲۶ کلمه دارد، یک دیوزده، که به ۱۳۴ کلمه و دو دیوزده در کتاب متی تقلیل یافته است. مرقس بر اعمال عیسی تمرکز دارد، متی بیشتر بر سخنان عیسی

حالا یک داستان دیگر هم هست که می‌گوید عیسی روی آب راه می‌رود. مرقس داستان راه رفتن عیسی روی آب را دارد. این داستان در مرقس ۱۳۹ کلمه است، بنابراین او داستان را در ۱۳۹ کلمه روایت می‌کند. متی در فصل ۱۴ می‌گوید که سر یحیی تعمیددهنده از بدنش جدا می‌شود، عیسی قرار است به ۵۰۰۰ نفر غذا بدهد و عیسی روی آب راه می‌رود. متی در مورد پطرس می‌گوید که از قایق بیرون می‌آید و سپس به سمت عیسی می‌رود. سپس پطرس به داخل آب می‌افتد و عیسی او را نجات می‌دهد. بنابراین متی این نکته را اضافه می‌کند که پطرس به داخل آب می‌افتد و در آب می‌افتد و عیسی او را بیرون می‌کشد. اما با این حال، با اضافه شدن پطرس، داستان در متی ۱۰۱ کلمه است، به نظر می‌رسد ۴۰ کلمه کمتر از مرقس است. تقریباً یک سوم کمتر است، به علاوه داستانی در مورد پطرس دارد. بنابراین، دوباره، متی داستان‌های مربوط به کارهای عیسی را خلاصه می‌کند. انتظار می‌رود داستان در متی بسیار طولانی‌تر باشد، زیرا متی کتاب بسیار بزرگتری است، اما در عوض داستان کوتاه‌تر است، اما او این داستان را در مورد پطرس اضافه می‌کند.

حالا سوال این است که چرا او آن داستان را در مورد پطرس اضافه می‌کند؟ پطرس به دلیل ایمان کمش در این ماجرا گرفتار می‌شود. چند نکته جالب وجود دارد، فکر می‌کنم اجازه دهید فقط یک نکته به شما بگویم، به نظر من پطرس شاگرد کامل است. در کتاب متی فکر می‌کنم پطرس به عنوان شاگرد کامل به تصویر کشیده شده است. پطرس خوب است، پطرس بد است و او به هر دو صورت به تصویر کشیده خواهد شد، اما او نوعی نماینده است، پطرس این شاگرد نماینده است. بنابراین او آن نقش را به عنوان یک شاگرد ویژه در آنجا بر عهده می‌گیرد.

### **I. پنج گفتار - موعظه بالای کوه، فرستادن دوازده نفر و تمثیل‌ها [ 28:29-25:09... ]**

حالا کتاب متی اینجاست و من می‌خواهم اساساً نشان دهم که کتاب متی چگونه بر چیزی که ما آن را پنج گفتار یا پنج موعظه عیسی می‌نامیم، تمرکز دارد. بنابراین در متی موسی جدید و به یک معنا پنج کتاب تورات جدید وجود دارد. بنابراین ما اولین گفتار بزرگ عیسی را به عنوان موعظه بالای کوه داریم، سه فصل از آموزه‌های عیسی از خوشابحال‌ها تا «شنیده‌اید که در قدیم گفته شده است زنا مکن، اما من به شما می‌گویم... شما از قدیم شنیده‌اید که قتل مکن، اما من به شما می‌گویم، هر که بی‌جهت از برادر خود خشمگین شود، در دل خود مرتکب قتل شده است.» بنابراین موعظه بالای کوه یک نقطه کانونی آموزشی فوق‌العاده از خلاصه آموزه‌های عیسی در آن سه فصل است. این یک موعظه فوق‌العاده است، موعظه بالای کوه؛ هر مسیحی باید با موعظه بالای کوه بسیار آشنا باشد.

دوم، در فصل دهم، گفتمانی وجود دارد که در آن عیسی دوازده نفر را می‌فرستد، به یاد داشته باشید که در کتاب مقدس تصویری شما «دوازده نفر را می‌فرستد.» (او دوازده نفر را می‌فرستد و به آنها هشدار می‌دهد که وقتی او به آنجا می‌رود، دوران سختی را خواهند داشت. او آنها را فقط به خاندان اسرائیل می‌فرستد، دوباره به

تمرکز بر اسرائیل، احتمالاً مخاطبان یهودی، توجه کنید. او به نزد قوم اسرائیل می‌رود و اساساً انجیل را پخش می‌کند - بنابراین او انجیل را پخش می‌کند، بنابراین دوازده نفر را می‌فرستد. سپس آنها را مأمور می‌کند و این فصل بسیار طولانی است. در فصل دهم، عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد که به عنوان شاهدان او برای پخش انجیل بیرون بروند.

فصل ۱۳ یک متن بسیار معروف است. در کتاب مقدس مصور، ما آن را «مَثَل‌های پادشاهی: بذرها و علف‌های هرز» نامیده‌ایم». اینها تمثیل‌های عالی عیسی هستند. متی فصل ۱۳ تمثیل‌های پادشاهی، حدود هفت یا بیشتر تمثیل در آنجا وجود دارد. مقداری بذر روی مسیر می‌افتد و اساساً هیچ اتفاقی نمی‌افتد. مقداری از آن روی زمین سنگلاخی می‌افتد و مدتی رشد می‌کند اما ریشه ندارد، بنابراین وقتی خورشید به آن می‌خورد خشک می‌شود. مقداری روی زمین خاردار می‌افتد و در زمین خاردار رشد می‌کند و به نظر می‌رسد که قرار است خیلی خوب رشد کند، اما خارها و علف‌های هرز آن را خفه می‌کنند و بنابراین چیزی تولید نمی‌کند. در نهایت مقداری بذر روی زمین می‌افتد و رشد می‌کند و شصت، صد دانه دیگر تولید می‌کند و پادشاهی آسمان اینگونه است. در واقع مردم همیشه می‌گویند که این تمثیل بذر یا بذرکار نیست، بلکه تمثیل خاک است که انواع مختلف خاک را بیان می‌کند. من نمی‌خواهم در مورد این چیزها بحث کنم، اما اساساً این تمثیل، پاسخ‌های مختلف به کلام خدا و اثربخشی آن در زندگی مردم را به شما می‌گوید. شما تمثیل گندم و علف‌های هرز را دارید، آن مرد علف‌های هرز را می‌کارد و... را می‌کارد «گندم و او می‌خواهد گندم رشد کند. ناگهان متوجه می‌شود که دشمنی همه این علف‌های هرز را آنجا کاشته است؛ علف‌های هرز در حال رشد هستند و در ابتدا دقیقاً شبیه گندم به نظر می‌رسند. آن مرد به استاد می‌گوید: «هی، می‌توانیم علف‌های هرز را بیرون بکشیم». استاد می‌گوید: «نه، بگذارید علف‌های هرز تا زمان برداشت با گندم رشد کنند. در زمان برداشت، علف‌های هرز را از گندم جدا می‌کنیم و آنها را می‌سوزانیم». شما به نوعی مفهوم سوزاندن علف‌های هرز را درک می‌کنید؛ علف‌های هرز، گیاهان بد و گندم، گیاهان خوب هستند. بنابراین، این هفت تمثیل را در آموزه‌های متی فصل ۱۳، تمثیل پادشاهی «دانه‌ها و علف‌های هرز» می‌بینید. در آنجا آموزه‌های عالی از تمثیل‌ها وجود دارد (اگر به تمثیل‌ها علاقه دارید، این نقطه شروع (بسیار خوبی است).

**ج پنج گفتار - دستورالعمل‌های جامعه (متی ۱۸) [۲۹:۲۸-۳۷:۳۱]**

**؛ 37:03-28:29؛ پنج گفتار در متی JL د ترکیب**

در متی فصل ۱۸، عیسی درباره روابط درون جامعه کلیسا صحبت می‌کند و عمدتاً در اینجا درباره آن صحبت می‌کند -- حتی اینجا یک مثل درباره آن بنده ظالم و بی‌رحم وجود دارد که از این شخص میلیاردها دلار قرض گرفته است. او نزد آن شخص می‌رود و می‌گوید: "لطفاً میلیاردها دلاری را که به تو بدهکارم به من

ببخش "ارباب بزرگ می‌گویند": من تو را می‌بخشم". سپس آن شخص به خانه می‌رود و مردی به او ده دلار بدهکار است و آن شخص آن مرد را به زندان می‌اندازد. ارباب سپس برمی‌گردد و می‌گوید: "تو میلیاردها دلار به من بدهکار بودی و حتی ده دلار هم به آن شخص نمی‌بخشی؟" بنابراین ارباب سپس با آن شخص مشکلات بزرگی پیدا می‌کند. اینها دستورالعمل‌های جامعه هستند، همچنین در مورد زمانی صحبت می‌کند که در جامعه کلیسا اختلاف وجود دارد.

متی یکی از معدود انجیل‌هایی است که به *اکلیسیا* یا کلیسا اشاره می‌کند. بنابراین وقتی در کلیسا اختلافی پیش می‌آید، چه می‌کنید؟ اگر با کسی در کلیسا اختلاف داشته باشید، چه می‌کنید؟ خب، معلوم است که غیبت می‌کنید، درست است؟ - اوه، نه، نه، عیسی این را نگفته است. بنابراین شما دو نفر دارید که در کلیسا با هم مشکل دارند. چه می‌کنید؟ اول به سراغ آن شخص می‌روید. یا او روبرو می‌شوید و می‌گویید: «خب، مشکل این است.» و سپس سعی می‌کنید مشکل را یکی یکی بین آن دو حل کنید.

ضمناً، من همیشه این را به کلاس هم می‌گویم، من قبلاً با یک نفر کار می‌کردم، او یک تاجر بود، آنتونی، و من مدام به او می‌گفتم: «هر وقت ایمیل می‌زنی، هرگز مطالب منفی را در ایمیل نفرست.» اساساً اگر حرف منفی برای گفتن به کسی داری، باید رو در رو با او صحبت کنی. بنابراین اگر من اینجا در کالج گوردون یا هر جای دیگر مشکلی داشته باشم، اگر با رئیس دانشگاه یا هر کس دیگری مشکلی داشته باشم، مستقیماً به آن شخص می‌روم و می‌گویم که مستقیماً با این شخص مشکل دارم. قرار نیست آن را در ایمیل بنویسم، قرار نیست تلفن بزنم و بگویم: «هی، این مشکل من است.» - من شخصاً به سراغ آن شخص می‌روم و با او صحبت می‌کنم، مشکلم را توضیح می‌دهم، چیست و در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین، یک به یک، شما می‌روید و سعی می‌کنید مشکل را حل کنید. اگر مشکل بین شما دو نفر حل نشد، دو یا سه نفر را با خود می‌برید و سه نفر را پیش یک نفر می‌روید و با چند شاهد جمع می‌شوید. افراد دیگری که ممکن است با خرد خود به حل مشکل کمک کنند - بنابراین شما دو یا سه نفر را برمی‌دارید و برمی‌گردید و سعی می‌کنید مشکل را حل کنید. اگر فرد هنوز حاضر به حل یا آشتی با وضعیت نیست، آن را به کلیسا می‌برید. کلیسا متشکل از بزرگان و شماسان یا به هر شکلی که کلیسای شما تشکیل شده است، و شما آن را به کلیسای خود و افراد کلیسای خود می‌برید. اگر فرد به کلیسای گوش ندهد و اگر هنوز آشتی حاصل نشود، اساساً می‌توان آن فرد را با تکفیر از کلیسا بیرون انداخت. بنابراین این فرآیند وجود دارد؛ یک به یک، دو یا سه به یک، تلاش برای آشتی، کل کلیسا به یک نفر، تلاش برای آشتی، اگر آشتی حاصل نشود، در آن مرحله فرد از کلیسا بیرون رانده می‌شود، تکفیر می‌شود. عیسی در اینجا چند دستورالعمل اجتماعی می‌دهد، اگر تا به حال در کلیساها یا گروه‌های کوچک و غیره مشارکت داشته باشید، این یک متن عالی است. این روشی است که باید طبق سخنان مسیح انجام شود.

## ک. پنج گفتار - گفتار زیتون [متی ۲۴-۲۵] [۳۷:۳۱-۳۷:۰۳]

آخرین سخنرانی، سخنرانی زیتون است، پیامی که عیسی در کوه زیتون داد. کوه زیتون جایی است که باغ جتسیمانی قرار دارد، برخی از شما از برنامه «گمشو در اورشلیم» استفاده کرده‌اید و در کوه زیتون، عیسی زمان زیادی را در آنجا خواهد گذراند. ضمناً، عیسی در کتاب اعمال رسولان از کوه زیتون بالا رفت. او از کوه زیتون به آسمان صعود می‌کند و ظاهراً از عهد عتیق می‌دانیم که او قرار است به کوه زیتون بازگردد و کوه زیتون قرار است شکافته شود. کوه زیتون مکانی واقعاً معروف در شرق اورشلیم است. بنابراین در اورشلیم، کوه معبد اینجاست، شما در دره قدرون پایین می‌روید، بالا می‌آیید و اینجا کوه بلندی با ارتفاع حدود ۲۷۰۰ فوت وجود دارد. این کوه زیتون است و در شرق قرار دارد. وقتی از کوه زیتون عبور می‌کنید، به بیابان می‌رسید. بنابراین در آن سوی، سمت شرقی، همه جا بیابان است. کوه زیتون اینجاست و کلی باغ زیتون اونجا هست، به همین دلیل بهش میگن کوه زیتون. اونجا خیلی با زیتون کار دارن. من خودم خیلی طرفدار زیتون نیستم، اما زیتون‌ها رو آب می‌گیرن و ازش روغن زیتون درست می‌کنن. هر وقت توی کتاب مقدس روغن می‌بینی... باورم نمی‌شد، سال‌ها پیش به پیشگو اومده بود که اومده بود کلیسای ما و داشت می‌گفت که چطور توی اسرائیل روغن پیدا کردن، و داشت اینو می‌گفت در مورد بعضی از اشارات به روغن با بخش‌هایی از اشرف، توی پیدایش ۴۹ که اشرف پاشو توی روغن فرو می‌کنه. داشت می‌گفت که قراره در سواحل اسرائیل کلی روغن پیدا کنن و داره در مورد نفت صحبت می‌کنه. نه، ببخشید، هر کسی می‌دونه که عهد عتیق و عهد جدید رو خونده باشه، هر وقت از روغن، *شیمین*، صحبت می‌کنه، داره در مورد روغن زیتون صحبت می‌کنه. اونا همه کار رو با روغن زیتون انجام می‌دن، باهانش می‌پزن، و بدنشون رو باهانش مسح می‌کنن. ضمناً، وقتی می‌گویید *مسیح*، شما می‌گویید «مسیح»، مسیح همان مسح شده است؛ شما با روغن زیتون مسح می‌کنید. بنابراین، مسح شده، آنها پادشاهان خود را مسح کردند، کاهنان خود را مسح کردند و پیامبران خود را مسح کردند. آنها آنها را با روغن زیتون مسح کردند، آنها *مسیح بودند*، مسح‌شدگان. ضمناً، در عهد جدید، آن *مسیح*، آن کسی که روغن زیتون به او داده شده و آنها مسح کرده‌اند، به صورت کلمه *کریستوس آمده است*. بنابراین *کریستوس* در یونانی به معنای مسح شده است، *مسیح* در عبری به معنای مسح شده است. پس این عیسی است، *یشوع کریستوس* (*کریستوس* به معنای «مسح شده» است) (بنابراین به معنای عیسی، مسح شده است. بنابراین، به هر حال، این روغن زیتون است. بنابراین چیزی که شما دارید کوه زیتون است، جایی که بسیاری از این درختان در شرق اورشلیم، در آن طرف، در سراسر دره قدرون، رشد می‌کنند. این گفتمان زیتون در متی ۲۴ و ۲۵ است، این چیزی است که در مورد آینده زیاد صحبت می‌کند.

بنابراین گفتمان زیتون برای چگونگی نگاه به آینده کاملاً حیاتی است و او با تمثیل گوسفندان و بزها درباره روز داوری که در راه است صحبت می‌کند. می‌دانید، «پس هر چه با این کوچکترین‌ها کردید، با من

کریدید «او درباره ده ندیمه صحبت می‌کند، ۵ نفر عاقل و ۵ نفر احمق بودند. در حالی که احمق‌ها برای تهیه روغن برای چراغ‌هایشان می‌دوند، ارباب می‌آید و ۵ نفر پذیرفته می‌شوند و ۵ نفر دیگر رد می‌شوند. بنابراین شما تمثیل قنطار را دارید. به یک نفر ده قنطار داده می‌شود و او آن قنطارها را چند برابر می‌کند. به آن شخص یک قنطار داده می‌شود، آن را در زمین دفن می‌کند و ارباب واقعاً از او ناراحت می‌شود و او را بیرون می‌کند. شما این آموزه‌های مختلف عیسی را در گفتمان زیتون درباره آینده یا پادشاهی آینده می‌بینید.

نکته‌ی این اسلاید این است که متی، کل کتاب متی حول این پنج گفتمان بنا شده است. این پنج گفتمان، عیسی را به عنوان موسی جدید، به اصطلاح کتب پنج‌گانه جدید، به تصویر می‌کشند و این نحوه‌ی ساختار کتاب متی است، اینها نکات مهمی هستند.

حال، جالب است که در هر یک از این گفتمان‌ها، وقتی متوقف می‌شود، با این عبارت به پایان می‌رسد: «وقتی عیسی تمام کرد... و ادامه می‌دهد، وقتی عیسی این را تمام کرد و وقتی عیسی آن را تمام کرد. این بسیار» شبیه به کتاب پیدایش است. به یاد دارید در پیدایش، برخی از شما عهد عتیق را با من داشتید، عبارات **تولدوت** [این روایت \_\_\_ است] در کتاب پیدایش؛ این روایت نسل آدم است، این روایت نسل نوح است، این روایت نسل سام است، و ده مورد از آنها. این روایت "است که کتاب پیدایش را از هم جدا می‌کند، این روایت این شخص است، آن شخص و ده مورد از اینها وجود دارد که کتاب پیدایش را از **هم جدا می‌کند**. در اینجا این عبارات را می‌بینید که عیسی پایان این بخش را تمام کرد و به بخش بعدی رفت، و سپس وقتی عیسی تمام کرد و سپس آن را تمام کرد. بنابراین می‌بینید، در پایان فصل ۷، در پایان موعظه بالای کوه، یک پایان وجود دارد - یک پایان در فصل ۱۱:۱ آیه اول، این فرستادن دوازده نفر است، و بنابراین ۱۱:۱ آن داستان به پایان می‌رسد. در فصل ۱۳ آیه ۵۳، در پایان مثل‌های پادشاهی، دوباره وقتی عیسی تمام کرد و سپس ادامه می‌دهد. بنابراین، این یک جمله پایانی جالب است که متی برای پایان دادن به بخش‌های گفتمان خود از آن استفاده می‌کند "وقتی عیسی تمام کرد" و ادامه می‌دهد - همه آنها اساساً به این شکل پایان می‌یابند.

م. روشمند - متی و لوقا [۳۷:۰۳-۳۶:۴۱]

؛ ۳:۰۳-۳۷:۳۸؛ متی و لوقا، یعقوب MN ۵: ترکیب

حالا یک مقایسه دیگر هم داریم، متی آنچه را که لوقا پراکنده می‌کند، جمع می‌کند. حالا می‌خواهم فقط یک مثال از موعظه بالای کوه بزنم، نمی‌خواهم موضوع را بزرگ کنم، فقط جالب است. بنابراین می‌خواستم اینها را اینجا تقسیم کنم و اساساً به شما نشان دهم که اینجا چه اتفاقی می‌افتد. بنابراین شما موعظه بالای کوه را در متی دارید، همه چیز در فصل‌های ۵ تا ۷ آمده است. بنابراین شما «شما نمک جهان هستید» را دارید - نمک بد است، بنابراین آن را دور می‌اندازید. نمک در لوقا ۱۴:۳۴ یافت می‌شود، اما در متی فصل ۵ یافت می‌شود. شما شمع

خود را دارید، «بگذارید نور شما بر مردم بتابد»، شمع خود را زیر یک پیمانانه پنهان نکنید، می‌دانید که شمع را زیر یک پیمانانه قرار نمی‌دهید، آن را روی یک چراغدان قرار می‌دهید تا بتواند بدرخشد. ماجرای شمع زیر یک پیمانانه در لوقا فصل ۸ اتفاق می‌افتد. بنابراین می‌بینید که در لوقا - نمک در فصل ۱۴ و شمع در فصل ۸ در شش فصل از هم جدا شده‌اند، در حالی که در متی آنها پشت به پشت هم هستند - نمک و شمع درست پشت به هم هستند. نور بدن در چشم است"، در لوقا که در فصل ۱۱ است، در متی در همان خطبه بالای کوه فصل ۶ آمده است. اما "دوباره به لوقا فصل ۱۴، فصل ۸ و فصل ۱۱ توجه کنید. حتی فصل‌های کاملاً متفاوت! این چیزها پراکنده هستند؛ برسید و دریافت خواهید کرد، بجوید و خواهید یافت "متی فصل ۷، دوباره بخشی از خطبه بالای کوه است. در " کتاب لوقا که در فصل ۱۱ آیه ۹ است، دوباره از هر نوع زمینه‌ای در آن گفتمان واحد جدا شده و پراکنده است - بنابراین می‌توانید ببینید که این گفته‌ها در لوقا پراکنده هستند.

یک نکته که باید در اینجا بگویم و باید واضح باشد، آیا عیسی تا به حال بیش از یک بار یک موعظه را ایراد کرده است؟ وقتی جوان‌تر بودم، در کالج کتاب مقدس در بریستول، تنسی تدریس می‌کردم و وقتی آنجا بودم، واعظ سیار بودم و بنابراین هر یکشنبه در کلیسای متفاوتی موعظه می‌کردم. من حدود پنج کلیسا داشتم و سپس موعظه می‌کردم. ضمناً، آیا من یک موعظه را در کلیساهای مختلف ایراد می‌کردم؟ بنابراین از یک کلیسا به کلیسای بعدی می‌رفتم و پنج بار آن را موعظه می‌کردم. بنابراین واقعاً خوب بود، شما یک بار خطبه را می‌نویسید و می‌توانستید پنج بار آن را موعظه کنید. همسر من که با من سفر می‌کرد گفت که بار اول کاملاً وحشتناک بود. من عاشق همسر هستم؛ او با من صادق است. بنابراین من آن را می‌پذیرم. سالیس [با کمی نمک] همانطور که می‌گویند. همسر من گفت که اولین بار من بد بوده است، یعنی من مطمئناً بهترین واعظ دنیا نیستم. بنابراین من اولین موعظه را انجام دادم، او گفت که به کار بیشتری نیاز دارد، بار دوم خیلی بهتر بود. بار سوم، او گفت: "بار سوم که موعظه کردی، روی غلتک افتادی، بهترین بود و واقعاً خوب بودی." بار چهارم و پنجم، او گفت وقتی به بار پنجم رسیدی، گفت: "می‌توانم بگویم که واقعاً از موعظه خودت خسته شده‌ای." چیزی که من می‌گویم این است که، حالا عیسی از موعظه خودش خسته نمی‌شد، اما آیا این احتمال وجود دارد که وقتی عیسی، همانطور که از جایی به جای دیگر می‌رفت، بیش از یک بار چیزهای مشابه را گفت و آنها را در زمینه‌های مختلف گفت. بنابراین باید هنگام نقل قول از نمک و این و آن و نور زیر یک پیمانانه و چیزهای دیگر مراقب باشید. عیسی ممکن است این را در زمینه‌های مختلف زیادی گفته باشد. شما باید مراقب باشید. ممکن است لوقا آن را از یک متن و متی از متن دیگری نقل قول کند، بنابراین شما فقط باید روی برخی از این جزئیات تمرکز کنید و آنقدر وسواس به خرج ندهید که همه چیز باید از یک دریچه باشد. نه، لازم نیست همه چیز از یک دریچه باشد، انجیل با دریچه‌های مختلفی آمده است. نکته اینجاست که متی آنچه را که لوقا پراکنده می‌کند، جمع‌آوری می‌کند؛ لوقا چیزهایی را پراکنده می‌کند، متی روشمند است - او همه چیز را جمع‌آوری می‌کند.

این موضوع در مورد روایت و ترتیب زمانی چه می‌گوید؟ آیا ممکن است نویسنده دقیقاً بر اساس ترتیب زمانی نوشته باشد؟ آیا یک نویسنده همیشه باید داستان را بر اساس زمان پیش ببرد؟ نه، زمان فقط یک عامل است. ممکن است نویسنده در حال بسط یک مضمون باشد. شاید او یک مضمون داشته باشد - بنابراین مضمون بر ترتیب زمانی اولویت دارد. بنابراین اگر تا به حال با افرادی که داستان می‌گویند برخورد کرده‌اید، گاهی اوقات ترتیب زمانی از نظم خارج می‌شود زیرا نکته‌ای که او سعی در بیان آن دارد چیز دیگری است. بنابراین نکته این است که لزوماً نباید ترتیب زمانی را تعیین کرد. بنابراین باید بپرسید: کارکرد و هدف داستان چیست؟

### متی و یعقوب [۳۶:۴۱-۳۸:۴۵]

حالا این جالبه، من یه مقاله خوندم، فکر کنم نوشته‌ی استنلی پورتر بود، در مورد مقایسه‌ی یعقوب و متی بود. خب، کتاب یعقوب در کتاب مقدس، در عهد جدید هست. راستی کتاب یعقوب توسط بعضی‌ها حذف نشده. یادتونه یعقوب و یوحنا، پسران زبدی، ماهیگیر عیسی که یعقوب و یوحنا صدا می‌زدند؟ پطرس، یعقوب و یوحنا اغلب وقتی که اوضاع خاص و تنها بود، با عیسی می‌رفتند، با تبدیل هیئت یا برای شفای دختر مرده. بنابراین اساساً آنها پطرس، یعقوب و یوحنا را دعوت می‌کردند. یعقوب، برادر یوحنا، اوایل کلیسا، احتمالاً حدود سال ۴۴ میلادی، فوت کرد، بنابراین یعقوب، برادر یوحنا، یکی از اولین شهدا است. پس یعقوب مرده است. قبل از اینکه متی نوشته شود، قبل از اینکه یوحنا نوشته شود، واقعاً قبل از اینکه هیچ یک از این اتفاقات بیفتد، مرده است. او یک شهید اولیه است، در واقع یعقوب یکی از اولین شهدا است.

این یک یعقوب دیگر است، معلوم می‌شود که او احتمالاً برادر عیسی است. در متی و جاهای دیگر، اشاره می‌شود که یعقوب و برادرانت اینجا هستند - می‌دانید که یعقوب و یوسف اینجا هستند تا بیایند و تو را ببرند. یعقوب مدتی فکر می‌کرد عیسی دیوانه است، اما ظاهراً یعقوب عیسی را پذیرفت و بنابراین یعقوب قرار است به عنوان برادر عیسی بنویسد. خیلی جالب است، یعقوب چیزهایی را به عنوان برادر عیسی شنیده است. این بسیار جالب و بسیار شبیه به کتاب متی است و این همپوشانی بین کتاب یعقوب و کتاب متی وجود دارد. شما فکر می‌کنید که هر دو هستند (ضمناً، یعقوب احتمالاً در یک زمینه یهودی نوشته شده است، بنابراین ممکن است مخاطب مشترکی داشته باشند. یعقوب می‌گوید: «خوشا به حال کسی که در آزمایش‌ها از دیگران محافظت می‌کند.» خب، این جالب است، زیرا متی می‌گوید: «خوشا به حال کسانی که به خاطر عدالت آزار دیده‌اند.» بنابراین می‌توانید ببینید که آنها دقیقاً کلمه به کلمه نیستند، اما شباهت‌هایی وجود دارد. در اینجا یکی دیگر وجود دارد، و این یکی کمی نزدیک‌تر می‌شود، یعقوب می‌گوید: «اگر کسی شنونده کلام باشد و عمل نکند، مانند مردی است که به چهره طبیعی خود در آینه نگاه می‌کند.» بنابراین این تضاد بین شنونده کلام و عمل کننده است. متی فصل 7، «هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند» در تضاد بین شنیدن کلام و عمل کردن است. ... «مانند مرد نادانی خواهد بود که خانه

خود را بر روی شن بنا کرد «مرد دانا خانه خود را بر روی سنگ بنا کرد، مرد نادان خانه خود را بر روی شن بنا کرد. تفاوت بین مرد دانا و مرد نادان چیست؟ مرد نادان کلمات را می‌شنود از عیسی سخن می‌گوید اما سپس به آنها عمل نمی‌کند و بنابراین همان تضاد بین کلمات و اعمال را بین متی و یعقوب مشاهده می‌کنید.

این یکی احتمالاً خیرمکننده‌ترین آنهاست؛ یعقوب ۱۲: ۵، «اما مهمتر از همه، ای برادران من، نه به آسمان قسم بخورید، نه به زمین، نه به هیچ سوگند دیگری، بلکه بله شما بله و نه شما نه باشد، تا زیر بار داوری نروید.» به آنچه متی می‌گوید گوش دهید: «اما من به شما می‌گویم [این عیسی است که صحبت می‌کند] به هیچ وجه سوگند نخورید، بلکه گفته شما بله، بله یا نه شما نه باشد. «بنابراین این بله، بله و این نه، نه‌ها را دریافت می‌کنید، قسم نخورید، سوگند نخورید، و این تشابه بین یعقوب و متی را تقویت می‌کند. بنابراین، این تشابهات بین یعقوب و مرقس، و فروپاشی متی، و معجزات مرقس که کلمات عیسی را بسط می‌دهند، جالب است. همچنین لوقا آنچه را که لوقا پراکنده می‌کند و در اینجا با یعقوب، موازی با بسیاری از گفته‌های عیسی، جمع‌آوری می‌کند.

**داستان متی: رسولی "الف" - شاگردی [۴۸:۰۹-۴۵:۳۸]**

؛ ۴۵:۳۸-۴۶:۱۶؛ رسالت در متی. شاگردی بخش ۱ OS ف ترکیب

حالا می‌خواهم بحث را عوض کنم و این یک تغییر بزرگ به موضوع دوم ماست. متی رومند است، که حرف اول ما "م" است. حالا می‌خواهم به یکی از مضامین اصلی او بپردازم و آن رسالت است، و این مضمون اصلی او در مورد شاگردی است. اول از همه، رسول چیست؟ رسول فرستاده شده است - کسی که مأمور شده است. بنابراین کلمه رسول به معنای فرستادن است، *رسولولوس*، فرستاده شده. کسی که با مأموریت یا پیامی فرستاده شده است. معمولاً یک پادشاه یا کسی نماینده یا سفیری را می‌فرستاد که نماینده خواسته‌های او باشد. بنابراین آن شخص فرستاده شده بود، فرستاده شده برای اعلام پیام پادشاه.

بنابراین شاگردی موضوعی است که می‌خواهیم به آن بپردازیم. در حین انجام این کار، سوالاتی از این قبیل خواهیم پرسید: چگونه می‌توان شاگرد عیسی شد؟ شاگردی عیسی به چه معناست؟ همانطور که قبلاً گفتیم، پطرس در کتاب متی برجسته خواهد شد. چرا پطرس چنین نقش برجسته‌ای ایفا خواهد کرد؟ من فکر می‌کنم پطرس به تصویر کشیده خواهد شد، زیرا پطرس شاگردی تمام عیار است. متی می‌خواهد این موضوع شاگردی و معنای شاگرد بودن را توسعه دهد. من فکر می‌کنم پطرس به عنوان نمونه‌ای برای الگوسازی آن شاگردی استفاده خواهد شد.

داستان‌های منحصر به فرد زیادی در مورد پطرس در انجیل متی وجود دارد و من فکر می‌کنم دلایل این است که پطرس نوعی شاگرد تمام عیار است. به عنوان مثال، راه رفتن روی آب در متی فصل ۱۴ آیه ۲۸ و بعد

از آن پطرس در انجیل مرقس، ما قبلاً به آن نگاه کردیم، در انجیل مرقس داستان گفته می‌شود که عیسی روی آب راه می‌رود. عیسی سوار قایق می‌شود و کمی شاگردانش را سرزنش می‌کند. عیسی راه می‌رود و سوار قایق می‌شود. در کتاب متی، پطرس واقعاً از قایق پیاده می‌شود و به سمت عیسی می‌رود. پطرس - باز هم، فکر می‌کنم می‌خواست نشان دهد که یک شاگرد عیسی همه چیز را به خطر می‌اندازد، قدم‌هایی برای خروج از قایق برمی‌دارد و پطرس در آب می‌افتد. عیسی او را بیرون می‌کشد و به خاطر ایمان کمش سرزنش می‌کند. متی تنها کسی است که داستان افتادن پطرس در آب را روایت می‌کند و بنابراین فکر می‌کنم این نکته قابل توجهی است.

### پ پطرس به عنوان صخره کلیسا [۴۸:۰۹-۵۸:۵۰]

یکی دیگر هم هست؛ پطرس، صخره، شیطان. یادتان هست متی فصل ۱۶، «تو پطرس هستی، پطرس، مردم می‌گویند من که هستم؟» «پطرس می‌گوید»: خب، تو مسیح پسر خدای زنده هستی. «عیسی می‌گوید»: تو پطرس هستی، کیفا، یعنی «صخره». «تو پطرس هستی، پترا، صخره،» «تو پطرس هستی، بر این صخره، کلیسای خود را بنا خواهم کرد.» بحث بزرگی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها بر سر این آیه در متی ۱۶ وجود دارد: «تو پطرس هستی، بر این صخره، کلیسای خود را بنا خواهم کرد.» کلیسای کاتولیک رومی از آن استفاده می‌کند تا پطرس را بر روی یک پایه قرار دهد و اساساً او را پاپ و مقام پاپی از آن بیرون بیاورد - «تو پطرس هستی، بر این صخره، کلیسای خود را بنا خواهم کرد» «که مقام پاپی را از آن می‌گیرد. پروتستان‌ها گفتند: نه، پطرس صخره‌ای نیست که عیسی کلیسای خود را بر روی آن بنا کند، بلکه اعتراف بود.» این اعتراف پطرس است؛ «تو مسیح پسر خدای زنده هستی.» «اعتراف، صخره‌ای بود که عیسی کلیسای خود را بر روی آن بنا می‌کرد.

در واقع من هیچ یک از این رویکردها را دوست ندارم. من فکر می‌کنم در واقع پطرس صخره بود و من به قصد متی برمی‌گردم و فکر می‌کنم اینجاست که پطرس شاگرد کامل است. پطرس شاگرد کامل است، و بنابراین پطرس صخره‌ای است که من کلیسای خود را بر آن بنا می‌کنم. اما او خود پطرس را نمی‌گوید، بلکه پطرس را " به عنوان یک شاگرد می‌گوید. به عبارت دیگر، شاگردان چیزی هستند که "من کلیسای خود را بر آن بنا خواهم کرد" و ما شاگردان مسیح هستیم. بنابراین من آن را به عنوان الگویی برای شاگردان و شاگردی کلیسا در نظر می‌گیرم و این چیزی است که کلیسا بر آن بنا خواهد شد. پطرس در این مورد خاص ذکر شده است: «تو پطرس هستی، بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد.»

ضمناً، در همان متن، اگر مردم سعی کنند پطرس را بالا ببرند، باید مراقب باشید زیرا عیسی، پس از آن شروع به هم‌تراز کردن با شاگردانش می‌کند و شروع به گفتن این جمله‌ها می‌کند: «هی، شما بچه‌ها، من خواهم مرد، من خواهم مصلوب شدم» «و چیزهایی از این قبیل. بنابراین ماجرا آنجا جدی‌تر می‌شود و پطرس سپس عیسی

را کنار می‌کشد و او را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «این برای تو اتفاق نخواهد افتاد، می‌دانی، این برای تو اتفاق نخواهد افتاد. تو مسیح هستی... و غیره.» او به عیسی حمله می‌کند و بنابراین عیسی می‌گوید: «از من دور شو شیطان.» می‌دانی، «تو به امور انسانی اهمیت می‌دهی نه به امور الهی.» بنابراین عیسی پطرس را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «از من دور شو شیطان.» پس چه؟ آیا پطرس هم قرار است شیطان بزرگ باشد؟ این چیزی است که من می‌گویم، پطرس شاگرد تمام‌عیار است، او یک شاگرد نمونه است و او فقط نشان می‌دهد که پطرس نظرات واقعاً خوبی دارد و پطرس نظرات واقعاً بدی دارد. بنابراین او مانند یک شاگرد، پیرو مسیح، چیزی شبیه به یک نماینده است.

### س. پطرس - مالیات معبد و انکار عیسی [51:39-50:58]

مالیات معبد، این یکی دیگر از مواردی است که در متی منحصر به فرد است، یا در متی شرح داده شده است: «آیا استاد شما مالیات معبد را می‌پردازد؟» بنابراین پطرس نزد عیسی می‌رود و می‌گوید: «عیسی، آیا مالیات معبد را می‌دهی؟» عیسی به پطرس می‌گوید که برود و قلابی یا هر چیز دیگری بیاورد، پایین برود و آنجا یک ماهی بگیرد، و او قرار است از این ماهی یک سکه بیرون بکشد. حالا این سکه نیم دینار یا یک شِکِل یا هر چیز دیگری بود؛ و اساساً نیمی از سکه برای عیسی و نیمی برای پطرس پرداخت می‌شود. بنابراین آن سکه برای نیمی از پطرس و نیمی برای عیسی پرداخت می‌شود، و این داستان در کتاب متی نقل شده است. بنابراین متی قرار است پطرس را به عنوان این نوع شاگرد نماینده به تصویر بکشد و او را به تصویر بکشد.

### ر. انکار مسیح [۵۶:۳۳-۵۱:۳۹]

انکار پطرس در انتهای کتاب، یک جمله‌ی فوق‌العاده تراژیک در انتهای کتاب، و متی فصل ۲۶ (بگذار ببینم می‌توانم این را جمع‌بندی کنم، متی فصل ۲۶:۶۹ و بعد از آن. (واقعاً تراژیک است، پطرس کارهای بزرگ زیادی انجام داد. اساساً، پطرس می‌گوید: «ای عیسی، هر جا که بروی، من هم خواهم رفت. نه، تو خواهی مرد و من از تو محافظت خواهم کرد.» پطرس را که در باغ جتسیمانی به یاد دارید، پطرس این شمشیر را بیرون می‌آورد و گوش خدمتکار کاهن اعظم را می‌برد. یوحنا به ما می‌گوید (ظاهراً او آن مرد را می‌شناخت)، یوحنا به ما می‌گوید که نام او مالکوس است. بنابراین پطرس گوش مالکوس را که برای دستگیری عیسی بیرون می‌آید، می‌برد. سپس عیسی به پطرس می‌گوید: «پطرس شمشیر خود را بردار... کسانی که با شمشیر زندگی می‌کنند، با شمشیر می‌میرند... با شمشیر کاری نداشته باش پطرس، وقت مرگ من است.» اساساً، پطرس شمشیر را بالا می‌برد و مردم خواهند دانست که عیسی در برابر این چیزها مقاومت نخواهد کرد.

بنابراین ظاهراً در فصل ۲۶:۶۹ و پس از آن آمده است: «اکنون پطرس در حیاط نشسته بود، کنیزی نزد او آمد و گفت:» تو با عیسی جلیلی بودی.» اما پطرس در حضور همه انکار کرد.» او گفت:» من نمی‌دانم درباره

چه چیزی صحبت می‌کنی «و سپس به سمت دروازه رفت و دختر دیگری او را دید و به مردم آنجا گفت»: این مرد با عیسی ناصری بود «و او دوباره انکار کرد»: من آن مرد را نمی‌شناسم. «و کمی بعد کسانی که در نزدیکی ایستاده بودند گفتند»: مطمئناً تو یکی از آنها بودی؛ لهجه تو آنها را لو می‌دهد «مثل این است که اهل ... من همین الان با دختری که اهل لانگ آیلند است صحبت کردم، وقتی می‌گویند لانگ کیسلند، می‌دانید که آنها اهل لانگ آیلند هستند. اگر بگویند «کاه» «بیا بید برویم کاهایمان را برداریم و برویم پایین» می‌دانید که آنها اهل بوستون هستند، و اگر بگویند «شماها» «و مخصوصاً در نیوانگلند اینجا، وقتی کسی می‌آید و می‌گوید «شماها» ما می‌دانیم که آنها اهل جنوب هستند. اگر اهل جنوب باشند، می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد، آنها این را در نیوانگلند، منطقه بوستون اینجا، می‌گویند و می‌گویند «شماها»، ضریب هوشی آنها از نظر نگاه مردم به آنها 20 امتیاز کاهش یافته است. اما اگر بگویند «بله رفیق» «او با لهجه بریتانیایی صحبت کنند، ضریب هوشی آنها 20 امتیاز افزایش یافته است، و بنابراین من همیشه به نیوانگلند می‌خندم چون خیلی خنده‌دار است. اگر بگویند «بله رفیق» «ضریب هوشی شما پایین می‌آید و اگر بگویند «بله رفیق» «و بریتانیایی صحبت کنید، ضریب هوشی شما بالا می‌رود. این فقط نوعی طعنه‌آمیز است. با این حال، آنها گفتند»: پیتر، ما می‌دانیم که شما اهل کجا هستید، شما اهل جلیل هستید، زیرا می‌توانیم لهجه شما را بشنویم و این را در هر جایی تشخیص می‌دهیم «پیتر می‌گوید «نه» «و سه بار خداوند را انکار می‌کند

شاگرد عیسی بودن یعنی چه؟ شاگرد عیسی سه بار مسیح را انکار می‌کند؟ سوالی که باید از خودتان بپرسید این است»: آیا این پطرس است یا من؟ «لحظاتی هست که به زندگی‌ام نگاه می‌کنم و می‌گویم»: من آنقدر مطمئن نیستم که مسیح را انکار نکنم «و بنابراین از خودتان می‌پرسید»: چه چیزی باعث می‌شود که من مسیح را انکار کنم؟ «اینها سوالات بزرگی هستند، و بنابراین فکر می‌کنم همه باید با واقعیت انکار مسیح روبرو شوند. آیا کسی آن دختر را در کلمباین در کلرادو به یاد دارد؟ آن افراد داشتند دانشجویان را می‌کشند. آنها کاملاً بی‌هدف بودند و یک مرد اساساً اسلحه‌ای را به سمت این دختر در کلمباین می‌کشد (این یک داستان واقعی است) (و می‌گوید): آیا شما مسیحی هستید؟ آیا شما مسیحی هستید؟ «او می‌گوید»: بله، من مسیحی هستم «و ماشه را می‌کشد و سرش را منفجر می‌کند. اگر اسلحه‌ای به سمت سرتان نشانه گرفته شود، آیا مسیح را انکار می‌کنید؟ آیا مسیح را انکار می‌کنید؟ بسیاری از ما مسیح را با چیزهای کوچکتر انکار می‌کنیم، چند بار دهانمان را بسته نگه می‌داریم و نمی‌گوییم که پیرو مسیحی هستیم چون نمی‌خواهیم با کسی وارد بحث شویم؟ ما مسیح را به روش‌های بسیار ظریف و بسیار ظریف انکار می‌کنیم - ما تعهد خود به مسیح را انکار می‌کنیم زیرا نمی‌خواهیم به عنوان یک انجیلی یا بدتر از آن، یک بنیادگرا دیده شویم. ما نمی‌خواهیم به عنوان یک فرد رادیکال دیده شویم؛ ما می‌خواهیم به عنوان یک فرد میانه‌رو، که با دیگران سازگار است، کسی که بسیار دقیق و متفکر است، دیده شویم. بنابراین ما مسیح را انکار می‌کنیم زیرا می‌خواهیم خودمان را به عنوان فردی باهوش یا چیزی شبیه به آن به

تصویر بکشیم. در فرهنگ ما، دین - اساساً فرهنگ سکولار، دین را ساکت کرده است. دین به چیزی بسیار شخصی و خصوصی تبدیل شده است و بنابراین در فرهنگ ما گفتن هر چیز مذهبی بسیار اشتباه است زیرا این چیزی بسیار شخصی و خصوصی است. بنابراین صحبت کردن در مورد زندگی جنسی خود در ملاء عام در آمریکا آسان‌تر از صحبت کردن در مورد دین خود است. فکر می‌کنم باید در مورد آن فکر کنید، نمی‌دانم آیا چیزی کمی اشتباه است یا خیر. به هر حال، پطرس سه بار خداوند را انکار می‌کند و این در کتاب متی ثبت شده است. بنابراین پطرس در کتاب متی یک شاگرد ویژه است، او یک شاگرد نمونه است - شاگرد کامل.

### دعوت و رسالت [S. | 59:16-56:33]

چگونه می‌توان شاگرد مسیح شد؟ یک دعوت یا یک حرفه وجود دارد، یک دعوت به یک حرفه. نکته جالب اینجاست که در مورد خاخام‌ها، اغلب دانش‌آموزان نزد خاخام می‌رفتند و می‌گفتند: «می‌دانی که من در نمره ۱۵۰۰ گرفته‌ام، باید من را به عنوان شاگرد خود بپذیری.» بنابراین دانش‌آموز نزد خاخام SAT آزمون می‌رفت و سعی می‌کرد خودش را به خاخام بفروشد، و خاخام این دانش‌آموز را تأیید و آن دانش‌آموز را رد می‌کرد. عیسی اینگونه عمل نمی‌کرد. عیسی درخواست‌های دانش‌آموزان را قبول نمی‌کرد، عیسی در حالی که آنها در بحبوحه زندگی خود بودند و کارهایی انجام می‌دادند، به سراغ این افراد می‌رفت. پطرس و اندرو چه می‌کردند؟ آنها تورهای ماهیگیری خود را پهن می‌کردند. عیسی به آنها نزدیک شد و گفت: «شما که تور می‌اندازید و هر کاری می‌کنید، بیایید و از من پیروی کنید.» یک دعوت وجود داشت و سپس یک عزیمت وجود داشت. بنابراین او آنها را صدا زد و آنها تورهای خود را رها کردند. او نزد یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، آمد، آنها نیز ماهیگیر بودند، و او در حین تمیز کردن یا انجام کاری با آنها، نزد آنها آمد و آنها را فرا خواند. بنابراین یعقوب و یوحنا پدر زبدي را آنجا ترک کردند و از مسیح پیروی کردند. بنابراین این فراخواندن و این رفتن وجود دارد. عیسی آنها را در بحبوحه امور فرا می‌خواند.

آیا عیسی بهترین و باهوش‌ترین افراد را فراخواند؟ عیسی این ماهیگیران را در بحبوحه کارشان فراخواند، نه اینکه به عنوان خاخام یا متفکر آموزش دیده باشند. چرا این افراد را فراخواند؟ همانطور که پولس در قرنتیان به ما می‌گوید، خدا از چیزهای احمقانه این دنیا برای مخدوش کردن چیزهای عاقلانه استفاده می‌کند. بنابراین فراخوان عیسی بسیار مهم است، او مردم عادی را در بحبوحه زندگی به دام می‌اندازد. این افراد فوق ستاره نیستند. عیسی - در واقع، بارها مجبور شده است آنها را سرزنش کند و بگوید شما هنوز متوجه نیستید. می‌دانید، او شروع به صحبت در مورد خمیرمایه و فریسیان می‌کند و آنها می‌گویند: «او نه! ما فراموش کردیم غذا بیاوریم.» بنابراین آنها می‌گویند: «می‌دانید، ما این کار را کردیم، می‌دانیم که واقعاً احمقانه بود. ما غذا را فراموش کردیم و عیسی دارد به دعوی ما رسیدگی می‌کند. او این کار را به روشی غیرمستقیم انجام می‌دهد.» او

واقعاً در مورد فریسیان صحبت می‌کند. عیسی می‌گوید: «شما نمی‌فهمید، من همین الان ۵۰۰۰ نفر را سیر کردم، چند سبد برداشتید؟ من همین الان ۴۰۰۰ نفر را سیر کردم و چند سبد برداشتید؟ و شما نگران این هستید که غذای کافی ندارید، من در مورد خمیرمایه و فریسیان صحبت می‌کنم.» او شاگردانش را به خاطر نفهمیدن سرزنش می‌کند. بنابراین گاهی اوقات شاگردانش متوجه نمی‌شوند و این به این دلیل است که آنها واقعاً در مورد این نوع چیزها به خوبی آموزش ندیده‌اند.

**ت. ویژگی‌های یک شاگرد واقعی - دادگاه [۱۶:۵۹-۱۳:۶۱]**

**ز: تلویزیون ترکیبی؛ ۱۶:۵۹-۰۰:۶۸؛ شاگردی/اطاعت، بخش ۲**

خب، نکته بعدی ما اینجا این است: ویژگی‌های کلیدی یک شاگرد مسیح چیست؟ می‌خواهم به این ویژگی‌های کلیدی شاگردان مسیح بپردازم و کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که دوباره این کار احمقانه را انجام دهم تا بتوانم آن را به خاطر بسپارم، اما فقط برای اینکه ممکن است به شما هم کمک کند. بنابراین می‌خواهم خواهد بود: [C] اساساً در مورد پنج چیز که یک شاگرد را مشخص می‌کند صحبت کنم. اولین مورد، مسئله هزینه هزینه شاگردی. به محض اینکه این را می‌گوییم، می‌توانید به هزینه شاگردی فکر کنید، و فکر می‌کنید، فکر کردم کتابی شبیه به آن به نام «**هزینه شاگردی**» نوشته شخصی به نام دیتریش بونهوفر شنیده‌ام. شاید بخواهیم وقتی هزینه را پوشش دادیم، کمی در مورد آن صحبت کنیم. هزینه شاگردی؛ برای من چقدر هزینه خواهد داشت؟

به این [U] یکی از ویژگی‌های کلیدی شاگردی است، متی آن را پرورش می‌دهد. فهمیدن [O] اطاعت معنی است که شاگرد، استاد خود را درک می‌کند. اگر قرار است شاگرد کسی باشد، باید بفهمد که آموزه‌های او یکی از جنبه‌های کلیدی است که متی به شیوه‌ای منحصر به فرد آن را پرورش می‌دهد و [R] چیست. درستکاری آن مفهوم درستکاری است. شاگردان باید درستکار باشند و او به ما خواهد گفت که منظورش از آن درستکاری و شاگردان کاذب وجود دارند و بنابراین کتاب متی به ما هشدار می‌دهد که [T] چیست. در آخر، شاگردان حقیقی شاگرد کاذب بودن به چه معناست و آیا این یک احتمال واقعی است یا خیر. متی این مسئله شاگردان کاذب را مطرح می‌کند و این نکته‌ای نافذ خواهد بود. دوباره می‌توانید ببینید که متی یهودیانی را خطاب قرار می‌دهد که ممکن است با گوش دادن به آموزه‌های عیسی به مسیحیت آمده باشند و در نهایت شاگردان کاذب شوند و از او رویگردان شوند. این «دادگاه» است، «دادگاه» در اینجا مصدر است، دادگاه، هزینه، اطاعت، فهم، عدالت، و شاگردان حقیقی و کاذب.

**اطاعت - یوسف [۱۳:۶۱-۳۹:۶۵]**

پس بیابید ابتدا به اطاعت بپردازیم. در متی ۱:۲۸ برای من جالب است که متی کتاب خود را چگونه شروع می‌کند؟ در متی ۱، شخص برجسته کیست؟ او مریم نیست؛ شما فکر می‌کنید که مریم باید کسی باشد که در آنجا برجسته شده است. در واقع مریم نیست که در آنجا برجسته شده است، بلکه یوسف است. فصل ۱:۱۸، «و تولد عیسی فرا رسید، مادرش مریم به یوسف متعهد شده بود. اما قبل از اینکه با هم باشند، معلوم شد که او از طریق روح القدس باردار است. از آنجا که یوسف، شوهرش، مردی صالح بود (به یاد داشته باشید که چگونه گفتیم صالح به عنوان یک شاگرد، جالب است که یوسف به عنوان یک مرد صالح به تصویر کشیده شده است (نمی‌خواست او را در معرض رسوایی عمومی قرار دهد، در نظر داشت که او را بی سر و صدا طلاق دهد.» بنابراین، یوسف مشکلی دارد: مریم باردار است و می‌داند که او نیست. او نمی‌خواهد به او آسیب برساند، بنابراین می‌خواهد او را بی سر و صدا طلاق دهد. او به این چیزها فکر می‌کند؛ او مشکلی دارد، این همسری که دوستش دارد، او فکر می‌کرد این مریم زیبا و پاک که فرد فوق‌العاده‌ای بود، اکنون باردار است. او می‌داند که مشکل او نیست، او یک مشکل بزرگ دارد.» اما پس از آنکه این موضوع را در نظر گرفت، فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «یوسف، پسر داوود)» «ارتباط را در اینجا می‌بینید. (او به عنوان یوسف پسر داوود خطاب شده است. برخی از نکات اصلی در کتاب متی چه خواهد بود؟ قرار است عیسی به عنوان پادشاه باشد؛ عیسی مسیح پسر داوود است. پس یوسف، پسر داوود، شجره‌نامه‌ی متی فصل ۱ را به خاطر بسپار: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن مریم به خانه به عنوان همسر خود مترس، زیرا آنچه در او قرار گرفته از روح‌القدس است.»... ادامه می‌دهد و می‌گوید «... همه اینها برای تحقق گفته‌ی پیامبر رخ داد که: «اینک باکره‌ای آبتن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عمانوئیل خواهی نامید» «می‌گوید: «وقتی یوسف از خواب بیدار شد، انجام داد ( ...چه، او شاگرد است ... (وقتی یوسف از خواب بیدار شد «... یوسف مطیع فرشته یا نافرمان خواهد بود، و فرشته به او گفت، یوسف، اشکالی ندارد، از روح‌القدس است؛ «یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته‌ی خداوند به او دستور داده بود را انجام داد و مریم را به عنوان همسر خود به خانه برد، اما او تا زمانی که پسری نداشتند، با او نسبت.» او او را عیسی نامید، منظور عیسی چیست؟ یهوه نجات می‌دهد، یهوه نجات می‌دهد، خداوند نجات می‌دهد، «زیرا او قوم خود را از گناه نجات خواهد داد.» بنابراین یوسف در فصل ۱ به عنوان کسی به تصویر کشیده شده است که پیام فرشته را می‌شنود و آنچه را که فرشته می‌گوید انجام می‌دهد.

در متی فصل ۲۸، کتاب چگونه به پایان می‌رسد؟ کتاب به پایان می‌رسد، کتاب متی فصل آخر، آیه‌ای بسیار معروف، مأموریت بزرگ. کتاب اینگونه به پایان می‌رسد؛ «...» «پازده شاگرد به جلیل) این فصل ۲۸:۱۶ است (به کوهی رفتند که عیسی به آنها گفته بود بروند و وقتی او را دیدند، او را پرستش کردند، اما برخی شک کردند. و سپس عیسی نزد آنها آمد و گفت تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است، پس بروید و شاگرد بسازید.» «مفهوم شاگردی، «بروید و شاگرد بسازید [همانطور که من شما را شاگرد کردم، شما بروید و شاگرد آنها

شوید. [پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد کنید] نه فقط یهودیت، باز هم گسترده است [و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید و به آنها تعلیم دهید] به نکته برجسته تعلیم توجه کنید، عیسی در کتاب متی معلم است [که از هر آنچه به شما فرمان داده‌ام اطاعت کنند و مطمئناً من همیشه تا پایان عصر با شما هستم]. «مأموریت بزرگ، اینگونه کتاب به پایان می‌رسد. بنابراین متی در ابتدا یوسف را به عنوان شاگرد معرفی می‌کند و شاگردی افرادی را که بیرون می‌روند و سخنان و فرامین عیسی را پخش می‌کنند، و این شاگردی تا انتها ادامه دارد. کتاب به این شکل شروع و پایان می‌یابد، بنابراین تمرکز بر مریم نیست، بلکه بر یوسف است، به دلیل، به نظر من، شاگردی او. او آموزش دیده و مطیع است.

### پنجم. اطاعت مغان (متی ۲ [ ۳۹:۶۵-۰۰:۶۸ ]

مغان، نکته‌ی دیگر، چرا فقط متی از این مغان، این جادوگران که از شرق می‌آیند، این طالع‌بینان نام می‌برد که «ما ستاره‌ای را در شرق دیده‌ایم و آمده‌ایم تا او را پرستش کنیم»؟ چرا متی تنها کسی است که از این مغان نام می‌برد؟ باز هم چندین نکته در اینجا به هم نزدیک می‌شوند. من فکر می‌کنم مغان، غیریهودیان هستند و فکر می‌کنم متی می‌خواست نشان دهد که انجیل فراتر از یهودیت به غیریهودیان می‌رسد. او برای یک جامعه‌ی یهودی می‌نویسد و می‌خواهد گستردگی آن را نشان دهد، بنابراین به مغانی که بخشی از آن هستند و به عنوان تحقق عهد ابراهیمی، اشاره می‌کند.

می‌دانید، دکتر مٹیوسون، وقتی داشت این بخش از متی را با آیه اول تدریس می‌کرد، خیلی جالب است. آیه اول کتاب متی، «شجره‌نامه و نسب‌نامه عیسی مسیح، پسر داوود. «عیسی مسیح پسر داوود، پادشاه اسرائیل است، اما «پسر داوود، پسر ابراهیم. «چرا از ابراهیم صحبت می‌شود؟ به احتمال زیاد به این دلیل که در عهد ابراهیمی سه وعده به ابراهیم داده شده بود. آیا به یاد دارید که در پیدایش ۱۲ و پس از آن، به ابراهیم به عنوان پدر ملت یهود، «پدر ما ابراهیم»، همانطور که در معروفترین کتاب دکتر ویلسون آمده است، سه چیز وعده داده شد: سرزمین به او وعده داده شد؛ به او وعده نسل داده شد، که نسل او مانند ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا تکثیر خواهد شد، نسل او اسحاق و از طریق دوازده قبیله یعقوب و نسل او تکثیر خواهد شد؛ نکته سوم، و این چیزی است که واقعاً برای کتاب متی مهم است و من فکر می‌کنم این چیزی است که متی برجسته می‌کند، اینکه عیسی مسیح پسر ابراهیم است و از طریق عیسی مسیح به همه ملت‌ها خواهد رسید. از طریق ابراهیم، همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت. عهد با ابراهیم عبارت است از: زمین، بذر و برکت برای همه ملت‌ها. از طریق عیسی است که این عهد ابراهیمی گسترش می‌یابد. بنابراین ما واقعاً در حال کار بر روی همه این مضامین عهد عتیق هستیم، اما عهد ابراهیمی در عیسی مسیح که در واقع آن را اجرا و به اجرا خواهد گذاشت، به کمال خود می‌رسد.

## قتل عام نوزادان در بیت لحم [W. 171:48-68:00]

؛ ۰۰:۰۸-۸۱:۰۰؛ شاگردی بخش WY<sup>۳</sup> ح: ترکیب

بنابر این مجوسیان بخشی از آن هستند و به عنوان کسانی که مطیع هستند، می‌آیند. فرشته بر مجوسیان ظاهر می‌شود و می‌گوید: «نزد هیرودیس برنگردید، هیرودیس می‌خواهد بچه را بکشد، از راه دیگری برگردید.» و مجوسیان مطیع کلام خدا هستند. بنابراین در اینجا دوباره همان ایده اطاعت را با مجوسیان دریافت می‌کنید، همانطور که با یوسف فصل ۱ و اینجا در فصل ۲ داشتید. با یوسف، هیرودیس می‌خواهد کودک را بکشد، و با مجوسیان او قصد دارد نوزادان را در بیت‌لحم بکشد - مراقب هم باشید. وقتی کوچکتر بودم، فکر می‌کردم بیت‌لحم یک شهر بزرگ است و هیرودیس وارد آن می‌شود و همه نوزادان زیر دو سال را می‌کشد و شما به مرگ این صدها نوزاد فکر می‌کنید، و من اصلاً نمی‌خواهم آن را کوچک جلوه دهم، کاری که هیرودیس انجام داد واقعاً بد بود. چیزی که من می‌گویم این است که بیت‌لحم آنقدر کوچک است که می‌تواند در محوطه کالج گوردون جا شود. قتل نوزادان بیت‌لحم احتمالاً زیر دوازده کودک بوده است. به عبارت دیگر، شما چند صد نفر آنجا هستید، چند نوزاد زیر دو سال خواهید داشت؟ اکثر مردم فکر می‌کنند که ده یا دوازده کودک کشته شده‌اند. اینطور نیست که او هزاران نفر را کشته باشد و بنابراین، صادقانه بگویم، از نظر تاریخی حتی به آن اشاره نشده است زیرا این یک چیز بسیار جزئی بود. حال، اگر فرزند شما دوازده کودک باشد، هنوز دوازده کودک است، اما فکر می‌کنم باید این را در اینجا در نظر بگیرید. بیت لحم یک شهر کوچک است. بارها از کلمه "شهر" در عهد عتیق و جدید استفاده کرده‌اند و من می‌دانم که در ترجمه من سعی کرده‌اند این کار را با کلمه "شهر" انجام دهند. زیرا شهر در آمریکا به شهر نیویورک، بوستون و فیلادلفیا، میامی یا لس‌آنجلس یا چیزی شبیه به آن فکر می‌کنیم. بنابراین وقتی به "شهر" فکر می‌کنیم، به این مراکز شهری بزرگ فکر می‌کنیم، اما اینها در واقع شهرهای کوچکی بودند، چند صد نفر، یا سیصد یا چهارصد نفر.

به یوسف گفته می‌شود که هیرودیس قرار است پس از او بیاید، آنجا را ترک کند و به مصر برود. بنابراین یوسف مریم و کودک را برمی‌دارد و آنها به مصر می‌روند. بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ او از مصر بیرون می‌آید و به ناصره می‌رود، او به یهودیه بر نمی‌گردد بلکه به ناصره می‌رود. خیلی جالب است که وقتی از مصر بیرون می‌رود چه کسی از مصر بیرون می‌آید؟ شما تمام لحن‌های اغراق‌آمیز این را می‌شنوید. اکنون عیسی، تولدش، از مصر بیرون برده می‌شود و به ناصره می‌رود. چه کسی از مصر بیرون می‌آید؟ موسی از مصر بیرون می‌آید. عیسی موسی جدید است، و بنابراین عیسی حتی وقتی موسی از مصر بیرون می‌آید از مصر بیرون می‌آید. بنابراین بسیاری از این لحن‌های فرعی وجود دارد. با این وجود، یوسف از آنچه فرشته به او گفته بود اطاعت می‌کند و نکته اینجا اطاعت است.

معلوم می‌شود که هیروودیس حتی به نوعی مطیع است. در این کتاب آمده است که حتی پس از آنکه هیروودیس فرزندان را کشت، از ارمیا نقل قول می‌کند و می‌گوید: «بنابراین آنچه پیامبر ارمیا گفته بود، محقق شد: راحیل برای فرزندانش گریه می‌کند و تسلی نخواهد یافت زیرا آنها تسلی نیافته‌اند.» «اینجا کجاست؟ مقبره راحیل» در خارج از بیت لحم در مسیر ریج قرار دارد که درست یک مایل از بیت لحم فاصله دارد. این یک مسیر اصلی مانند مسیر ۹۵ است که به شمال و جنوب می‌رود - در واقع نه مانند ۹۵، بلکه بیشتر شبیه مسیر ۱ - که در امتداد خط الراس کوه‌های آنجا به شمال و جنوب می‌رود. بنابراین مقبره راحیل در خارج از بیت لحم است زیرا در آنجا درگذشت و بنابراین راحیل برای فرزندانش گریه می‌کرد، او مانند یک قدیس حامی بود، و بنابراین از کتاب ارمیا نقل قول می‌کند و به آن استناد می‌کند. هیروودیس حتی در انجام عمل ویرانگر خود، از یک نظر مطیع کتاب مقدس است، نه به عنوان یک شاگرد، بلکه به عنوان کسی که کلام خدا را در آنجا تحقق می‌بخشد.

### تقلید - مانند استاد بودن [۴۸:۷۱-۳۳:۷۷]

مأموریت بزرگ، ما در مورد بشارت انجیل به همه ملت‌ها و برکت ابراهیمی به همه ملت‌های فراتر از یهودیت صحبت کردیم. حالا، چند نکته کوچک اینجا. می‌خواستم نگاهی به آن در متی فصل 10:24 بیندازم و می‌خواهم ایده شاگرد بودن چیزی را که من «تقلید» (می‌نامم، معرفی کنم. *تقلید به* معنای تقلید کردن است. شاگرد از معلم تقلید می‌کند. اگر من یاد بگیرم که چگونه چوب‌بافی کنم و زیر نظر یک استاد نجار درس بخوانم و نجار به من نشان دهد که چگونه یک تخته را برش دهم و چگونه آن را صاف کنم. سپس سعی می‌کنم خودم این کار را انجام دهم و از استاد تقلید می‌کنم. من از استاد تقلید می‌کنم تا یاد بگیرم که چگونه تخته را مانند او رنده کنم.

من زمانی پسری داشتم که عاشق بسکتبال بود. ما در ایندیانا بودیم و در ایندیانا فقط یک ورزش وجود داشت و آن بسکتبال بود، و تمام. من هیچ وقت در زندگی‌ام زیاد ورزش تماشا نکرده‌ام، همیشه ترجیح می‌دهم ورزش کنم. من ورزش می‌کردم، وقتی سال اول دانشگاه به کالج هاوتون رفتم، در آنجا بسکتبال بازی می‌کردم و بعد از آن دیگر نتوانستم پولش را بدهم. اما سه فصل آنجا بسکتبال و تنیس بازی کردم. بنابراین وقتی پسر بزرگ می‌شد، هر شب بیرون می‌رفتیم و صدها شوت بسکتبال می‌زدیم و از موقعیت‌های مختلف شوت می‌کردیم. از او می‌خواستم از هر نقطه ده شوت بزند و هر شب بیست و پنج شوت خطا بزند. خیلی جالب بود، فقط یک نوع رابطه پدر و پسری بود.

پسرم در دهه ۹۰ میلادی به تماشای بسکتبال از تلویزیون علاقه‌مند شد. من از تماشای ورزش از تلویزیون خوشم نمی‌آید و هنوز هم نمی‌آید. اما ما می‌نشستیم و بسکتبال بازی کردن این مرد را تماشا می‌کردیم، و او بسکتبال بازی می‌کرد و من بسکتبال بازی کردن این مرد را تماشا می‌کردم و نمی‌توانستم باور کنم چه چیزی

را با چشمانم می‌دیدم، هیچ‌کس نمی‌توانست چنین کاری انجام دهد. کاری که او انجام می‌داد غیرممکن بود، فقط این بود که "خدای من، این مرد چطور می‌تواند این کار را انجام دهد؟" و نام او مایکل جردن بود، و او یکی از باورنکردنی‌ترین بازیکنان بسکتبالی بود که تا به حال در زندگی‌ام دیده بودم، و از آن زمان تاکنون دیده‌ام. بنابراین خانواده ما یک رسم و رسومی را ایجاد کردند که در آن ما می‌نشستیم و بازی مایکل جردن و شیکاگو بولز و مربی فیل جکسون را تماشا می‌کردیم. ما بسکتبال مایکل جردن را تماشا می‌کردیم و باورنکردنی بود.

پسر من، آن موقع، حرکات مایکل جردن را تقلید می‌کرد. پسر بزرگترم می‌توانست بپرد، واقعاً می‌توانست بپرد. او یکی از معدود مردان سفیدپوستی بود که می‌توانست بپرد، و می‌توانست بپرد. او حرکات آکروباتیک مایکل جردن را به بهترین شکل ممکن انجام می‌داد، و من همیشه آن را کم‌اهمیت جلوه می‌دادم و می‌گفتم: «زک، این کار را نکن، تو مایکل جردن نیستی، نمی‌توانی این کارها را انجام دهی، پس حتی امتحان هم نکن.» با این حال، او مایکل جردن را تماشا می‌کرد؛ جردن الگوی او بود، بنابراین این تقلید، این نوع لی‌آپ معکوس دوگانه، او آن را امتحان می‌کرد.

وقتی او در آکادمی مسیحی پورتموث در نیوهمپشایر بود، خیلی از مردم پیش من و همسرم می‌آمدند و می‌گفتند: «ما همیشه دوست داریم پسرت را در حال بسکتبال بازی کردن تماشا کنیم، چون حرکات دیوانه‌واری انجام می‌دهد و اغلب اوقات موفق می‌شود.» او در واقع در تیم منتخب ایالت در نیوهمپشایر بازی کرد. یادم می‌آید که در یکی از آخرین بازی‌هایی که داشتیم، صد دلار با او شرط بسته بودم که نمی‌تواند دانک بزند چون قدش حدود ۱.۷۵ متر یا ۱.۷۵ متر است و او به من گفت که می‌تواند دانک بزند، اما باورم نمی‌شد، فکر می‌کردم نمی‌تواند آنقدر بالا بپرد. او توپ را زد و یک نفر جلویش بود، و چه اشکالی دارد که همیشه باید توپ را به نفر جلویی در زمین پاس بدهی. او توپ را زد و من فقط می‌توانستم بگویم که به حلقه نگاه کرد و گفت امشب است، بنابراین در یک حمله سریع دربیبل زد و حتی توپ را پاس نداد و آن شب دانک زد. آن شب فهمیدم که نمی‌شود اینطور شرط‌بندی کرد - و من صد دلار ارزان‌تر شدم. حالا می‌گویید خب، این فقط یک داستان خنده‌دار در مورد پسرتان است، خب نکته این است که او از معلمش تقلید می‌کرد، معلمش کیست؟ من که نبودم. مایکل جردن بود، و بنابراین او یاد می‌گرفت و سعی می‌کرد حرکاتی را که مایکل جردن می‌توانست انجام دهد، انجام دهد و این به او الهام بخشید.

بنابراین این چیزی است که عیسی می‌گوید، بگذارید این را برای شما بخوانم، متی فصل 24:10؛ عیسی دوازده شاگرد خود را می‌فرستد و می‌گوید: «برای یک شاگرد کافی است که مانند استادش باشد و برای یک غلام کافی است که مانند اربابش باشد، اگر سرپرست خانه بعزلبول نامیده شود (وقتی عیسی محکوم شد، گفتند که اگر او شیاطین را بیرون می‌کند، باید توسط بعزلبول باشد). (او گفت اگر آنها این را در مورد من، استادتان، بگویند، چقدر

بیشتر از اعضای خانه، به عبارت دیگر، شما، من را بعزبول می‌نامید و می‌گویید که من توسط بعزبول نیرو می‌گیرم، و بنابراین شما هم آن را دریافت خواهید کرد. بنابراین شاگرد بالاتر از معلم نیست و بنابراین این نوع چیزها با عیسی مطرح می‌شود. و بنابراین او می‌گوید که کافی است شاگرد مانند معلمش باشد. این بخشی از این تقلید است؛ شاگرد باید مانند معلمش باشد، اگر قرار است شاگرد عیسی مسیح باشیم، باید مانند معلم خود باشیم.

متی، فصل ۲۴:۱۰ این مفهوم را دارد، حالا این ایده‌ای از ارتدکسی در مقابل ارتوپرسی است. اینجاست که عیسی از فریسیان استفاده می‌کند و درباره فریسیان می‌گوید، او می‌گوید که فریسیان نیز شاگردان خود را دارند. فریسیان و ربی‌ها شاگردان خود را داشتند.

### ی. برادری مؤمنان نه سلسله مراتب [81:08-77:33]

او می‌گوید که در متی فصل ۲۳:۱۰، ضمناً در متی فصل ۲۳:۱۰، عیسی علیه فریسیان، شما متن را خوب می‌دانید. این است: «وای بر شما کاتبان و فریسیان، ای ریاکاران، بیرون پیاله را پاک می‌کنید اما درون پیاله کثیف است.» عیسی در متی فصل ۲۳ از فریسیان ایراد می‌گیرد، «وای بر شما کاتبان و فریسیان.» این چیزی است که در فصل ۲۳:۸ می‌گوید: «اما شما را نباید استاد خواند، زیرا فقط یک استاد دارید و همه شما برادر هستید. شما را استاد نخوانید، همه شما برادر هستید و نگذارید کسی شما را پدر بخواند، زیرا شما یک پدر دارید که در آسمان است. و شما را نباید استاد خواند.» و به همین دلیل است که من همیشه به شاگردانم می‌گویم که شما مرا معلم «صدا نزنید، شما مرا «استاد» صدا بزنید. حالا می‌توانید ببینید، ببخشید، بگذارید توضیح دهم، این یک حرف طعنه‌آمیز بود. فکر نمی‌کنم نکته این بود، نکته این است که به من «استاد» نگویند، به من «معلم» نگویند چون عیسی گفته است که به من «معلم» نگویند، فکر نمی‌کنم نکته این باشد. خب، بیایید ادامه دهیم و ببینیم نکته چیست: «و شما را معلم نخواند خواند زیرا یک معلم دارید، مسیح»، مسیح موعود، مسح شده». بزرگترین شما بنده شما خواهد بود «و فکر می‌کنم نکته همین است. مسیحیت یک دین بسیار سطحی است. ما کسی را نداریم که شما او را پدر بنامید، کسی را که شما او را خاخام بنامید، کسی که شما به او احترام بگذارید، «بله، پدر خاخام، به من بیاموز» «و از این قبیل چیزها. نه، مسیحیت بسیار سطحی است، بدون سلسله مراتب بزرگ.

پسر من برای شرکت‌های مختلفی کار می‌کرد و در یک مقطع، پنج رئیس بالای سر او بودند و پنج لایه مدیریتی بالای سر او بود. مشکل این بود که او کسی بود که همه کارها را برنامه‌ریزی و انجام می‌داد و این پنج مدیر، بعضی از آنها کار خاصی جز مدیریت انجام نمی‌دادند، اما او مجبور بود همه کارها را انجام دهد. مسیحیت اینطور نیست؛ این لایه‌های مدیریتی وجود ندارد، نه، همه شما برادر هستید.

آن که بزرگترین است، کوچکترین است، عیسی شاگردانش را می‌برد و چه می‌کند - من معلم هستم، من پدر هستم، من مسیح هستم، مسح شده؟ و مسیح، پدر، مسح شده چه می‌کند؟ او پایین می‌آید و می‌گوید: «کفش هایتان را در آورید» و پاهای آنها را می‌شوید تا به آنها نشان دهد که بزرگترین باید خادم همه باشد. شاگردی یعنی همین، شاگردی به معنای کسب مقام در دین به عنوان «مرد مقدس» نیست. بنابراین، در پادشاهی عیسی، کسی که در بالا قرار دارد، کسی است که خدمت می‌کند و پاها را می‌شوید و کارهای کثیف و کارهای پست را انجام می‌دهد. این کسی نیست که کارهای بزرگ را در بالا انجام می‌دهد. و من گاهی اوقات می‌ترسم که ما یک مدل مدیریتی را گرفته‌ایم و آن را در کلیسا قرار داده‌ایم. حالا ناگهان در کلیسا همه این لایه‌های مدیریتی را داریم و عیسی می‌گوید: «حالا شما همه برادران و خواهران مسیح هستید.» این ساختار لایه لایه قدرت چیست؟ کلیسا اینطور نیست، شما همه برادر هستید و بزرگترین شما، خادم و غلام همه خواهد بود. در اینجا یک نظر بسیار جالب در مورد ساختار کلیسا وجود دارد.

ز. ارتدکس در مقابل ارتوپراکسی: همانطور که می‌گویند عمل کن، نه همانطور که عمل می‌کنند [۱:۰۸-۸۱-۸۴:۵۶]

؛ 88:15-81:08؛ ارتدکس/ ارتوپراکسی Z-AA من ترکیب

بنابراین این ارتدکس است، ارتوپراکسی بگذارید فقط بگویم -- آیه دیگری را که اینجا می‌گوید فراموش کردم؛ [او درباره فریسیان به آنها می‌گوید] از آنچه فریسیان به شما می‌گویند اطاعت کنید، اما آنچه را که آنها انجام می‌دهند، انجام ندهید. از آنچه فریسیان به شما می‌آموزند اطاعت کنید، اما آنچه را که آنها انجام می‌دهند، انجام ندهید. بنابراین اساساً او می‌گوید که فریسیان ریاکار هستند زیرا آنها کار درست را آموزش می‌دهند اما کار درست را انجام نمی‌دهند. او می‌گوید: «شما شاگردان من هستید، شما آموزش می‌دهید و انجام می‌دهید.» دانستن کلمات کافی نیست، شما باید آن را انجام دهید. بنابراین فقط ارتدکس نیست. و من در چه زمینه‌هایی بوده‌ام که آنها به خاطر داشتن آموزه خالص، آموزه واقعی مسیح از کتاب مقدس، برای خود ارزش قائل هستند. ارتدکس واقعاً مهم است و کل آموزه واقعی مبتنی بر کتاب مقدس در مورد خودمان، در مورد مسیح، در مورد جهان ما. این چیزها بسیار مهم هستند. ارتدکس بسیار مهم است اما باید با روش‌های درست تفکر و روش‌های درست عمل نیز مرتبط باشد.

به عبارت دیگر، مسیحیت مربوط به عقل است، بله، و ضمناً، مسیحیت فقط مربوط به قلب نیست. مسیحیت مربوط به عقل ما و نحوه تفکر ما در مورد مسائل است، همچنین مربوط به قلب ماست، اما همچنین مربوط به دست‌های ما، کاری که انجام می‌دهیم، نه فقط به آنچه فکر می‌کنیم، نه فقط به آنچه احساس می‌کنیم، بلکه

به کاری که با دست‌هایمان انجام می‌دهیم نیز هست. عقل، قلب و دست‌ها، همه متعهد به شاگردی هستند، از آنچه می‌گویند اطاعت می‌کنند اما کاری را که انجام می‌دهند، انجام نمی‌دهند.

بنابراین مسیحیت یک برادری است و این دقیقاً همان چیزی است که آنها گفتند و بنابراین فروتنی - نه قدرت - بخشی از شاگرد مسیح بودن است. شاگرد مسیح کسی است که فروتن است، نه در قدرت و همه این نوع چیزها. من اغلب به دانشجویانم گفته‌ام که سه چیز بد وجود دارد: پول، سکس و قدرت. مردم به شما می‌گویند مراقب این سه چیز بد باشید: پول، سکس و قدرت. حالا سکس: سکس نکن. کثیف است؛ اگر در حال سکس دستگیر شوید - شما تمام مشکلاتی را که از رئیس جمهور ایالات متحده از جان اف کندی تا به حال داشته‌ایم، می‌دانید. سکس نکن؛ کثیف است، شما در معرض دید هستید، سکس در این نوع زمینه‌ها بد است. پول؛ من اغلب گفته‌ام که من در کالج گوردون تدریس می‌کنم، شما لازم نیست نگران بدهی‌های دانشجویی خود باشید. ما چه بدهکاریم، ۱۵ تریلیون دلار در آمریکا؟ نگران پول نباشید، هرگز پولی نخواهید داشت، پس نگران پول نباشید. پول پاک چیست؟ پول، سکس و قدرت؛ پاک چیست؟ در واقع قدرت است. قدرت، ظریف است؛ پاک است. و وقتی کسی قدرت دارد، دیگران به او می‌چسبند. قدرت چیزی است که به دنبال آن هستند، گناه پاک است و بنابراین چیزی که من می‌گویم این است که ظریف‌ترین و در نتیجه کشنده‌ترین است. بنابراین مردم می‌گویند من نمی‌خواهم رابطه جنسی داشته باشم، نمی‌خواهم پول داشته باشم، چون بد به نظر می‌رسد، قدرت اسم بازی است. شما افراد زیادی را خواهید دید که به دنبال قدرت هستند و تنها چیزی که من می‌گویم این است که "مراقب باشید." و عیسی می‌گوید: "نه، مردم من بنده هستند." این همان فروتنی است، همان چیزی است که ما در آنجا روی پرده سینما آن را پادشاهی وارونه می‌نامیم. پادشاهی این جهان، پادشاه و تمام نمایندگان آن و مردم تحت فرمان او را دارد. در پادشاهی مسیح، آنچه پادشاه می‌شود، بنده همه است.

#### **انجام اراده خدا: افراد خردمند/احمق، خانواده عیسی [88:15-84:56] AA.**

چه چیزی عاقل و نادان را از هم جدا می‌کرد؟ چه چیزی عاقل و نادان را از هم جدا می‌کرد؟ مرد خردمند خانه‌اش را بر صخره بنا کرد و مرد نادان خانه‌اش را بر شن بنا کرد - متی فصل ۷:۲۴. این دو را از هم جدا کرد، این را بررسی کنید، بگذارید این آیه را برای شما بخوانم: «هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، مانند مرد نادانی است که خانه‌اش را بر شن بنا کرده است»... بنابراین مسیح، دوباره، تأکید می‌کند که یک شاگرد باید عمل‌کننده به کلام باشد، نه فقط شنونده، مانند کتاب یعقوب به نظر می‌رسد.

این یکی دیگر است که به نظرم خیلی خیرمکننده است، و این یکی درباره خانواده عیسی است. یادتان هست در متی فصل ۱۲، عیسی بیرون بود و آنها پیش عیسی آمدند و گفتند: «عیسی، خانواده‌ات بیرون هستند و می‌خواهند تو را ببینند.» چرا نمی‌روی آنها را ببینی؟ او به شاگردانش اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینها مادر و

برادران من هستند.» حالا مادر و برادران عیسی چه کسانی هستند؟ او اینجا صریحاً به ما می‌گوید که عضوی از خانواده عیسی بودن به چه معناست؟ این توهینی به مادر یا برادرانش نیست، زیرا یعقوب کتاب یعقوب را خواهد نوشت و یهودا کتاب یهودا را خواهد نوشت و آنها برادران عیسی هستند و مریم، البته بسیار مورد لطف خدا بود. آیا عیسی، حتی تا پایان، از مادرش مراقبت می‌کند؟ عیسی در کتاب یوحنا بر روی صلیب است؛ شاگردان کجا هستند؟ شاگردان وحشت‌زده می‌دوند. چه کسی در پای عیسی در حال مرگ است؟ این زنان هستند، زنان مریم. قسم می‌خورم نیمی از زنان در عهد جدید مریم، مریم مجدلیه نام دارند... اما او از صلیب به پایین نگاه می‌کند و مریم، مادرش را می‌بیند و می‌گوید: «یوحنا، «او می‌گوید»: هی، شاگرد محبوب، تو از او مراقبت کن.» حتی در مرگش، او نگران مادرش است. بنابراین عیسی به هیچ وجه مادرش را تحقیر نمی‌کند، بلکه منظورش این است که مادر من کیست. عیسی یک خانواده جدید تشکیل می‌دهد و می‌گوید برای ورود به خانواده عیسی چه چیزی لازم است. عیسی در اینجا توضیح می‌دهد که شرایط ورود به شاگردی و پیوستن به خانواده او چیست. هر کسی که اراده پدر من را انجام دهد، در برادر و خواهر و مادرم بهشت است. توجه کنید که می‌گوید: «به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت»، این چیزی است که می‌گوید - نه. این را نمی‌گوید، می‌گوید: «هر که اراده پدر من را در آسمان انجام دهد، برادر، خواهر و مادر من است.» بنابراین در اینجا دوباره بر ارتوپراکسی تأکید می‌شود، نه ارتدوکسی. کسی که اراده پدر من را در آسمان انجام دهد... بنابراین این یک چیز واقعاً مهم است و اینها چیزهای سختی هستند.

#### عدالت در متی در مقابل لوقا [15:88-33:91] AB.

؛ ۱۵:۸۸-۴۲:۹۹ AD-AB ج ترکیب

عیسی در مورد عدالت چه می‌گوید؟ در اینجا این طرح عدالت وجود دارد، ما می‌دانیم که یوسف مردی صالح محسوب می‌شد و بنابراین این مفهوم عدالت را درک می‌کنیم. چگونه ثابت کنیم که متی بر این مفهوم عدالت تأکید دارد؟ چگونه می‌توانید این کار را با مقایسه متی با سایر انجیل‌ها انجام دهید. بنابراین این را بررسی کنید: لوقا فصل ۱۲:۳۱، و این چیزی است که می‌گوید: «اما ابتدا پادشاهی او را جستجو کنید و این چیزها نیز به شما اضافه خواهد شد.» و شما می‌گویید: «من اینطور به یاد نمی‌آورم»، زیرا اکثر ما آیه را از قبل در متی فصل ۶ به یاد داریم. توجه کنید که در متی فصل ۶ می‌گوید: «اما پادشاهی و عدالت او را جستجو کنید... و می‌بینید که چگونه متی کلمه «عدالت» را اضافه کرده است، لوقا از آن صرف نظر می‌کند و می‌گوید: «اما پادشاهی او را جستجو کنید و این چیزها نیز به شما اضافه خواهد شد.» متی می‌گوید: «اما پادشاهی و عدالت او را جستجو کنید و این چیزها نیز به شما داده خواهد شد.» با تأکید و قرار دادن عدالت در آنجا، به پیوند بین عدالت و پادشاهی توجه کنید.

حالا اینجا آیه دیگری با همین مضمون داریم: «خوشا به حال شما وقتی که مردم از شما نفرت کنند، شما را طرد کنند و به خاطر پسر انسان به شما توهین کنند»... و این آیه در لوقا فصل ۲۲:۶ نیز به همین شکل ادامه دارد. اینجا متی با همان عبارات خوشا به حال کسانی که به خاطر عدالت آزار می‌بینند «... و بنابراین این عبارت را اینجا می‌بینید،» به خاطر عدالت «همانطور که می‌بینید در اینجا اضافه شده است. بنابراین متی بر ماهیت واقعی و عدالت شاگردان تأکید می‌کند.

این یکی دیگر است، و این کمی جالب است زیرا لوقا در مورد مردم و کمک به فقرا و این نوع چیزها صحبت می‌کند. او در مورد یتیمان، بیوه زنان و فقرا بسیار آگاه است. لوقا می‌گوید: «خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید، زیرا سیر خواهید شد.» توجه کنید که اینجا صرفاً در مورد کسانی صحبت می‌کند که گرسنه هستند، به نظر می‌رسد که فقرا غذا ندارند و گرسنه هستند. توجه کنید که متی با همان آیه چه می‌کند، «خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت»، او آن را به نوعی در نظر می‌گیرد و مفهوم عدالت را برجسته می‌کند، «زیرا آنها سیر خواهند شد»، زیرا «آنها سیر خواهند شد». بنابراین همانطور که می‌بینید، متی بر این ماهیت عدالت تأکید می‌کند.

#### پارسایی بهتر: از سر تا دل [۳۳:۹۱-۵۵:۹۶] AC.

پس چگونه این تفاوت‌ها را توضیح می‌دهید؟ متی سعی دارد یک موضوع، یعنی عدالت عیسی مسیح، ایجاد کند. یوسف، پدرش، «مردی عادل» (بود، شاگردان عیسی باید «گرسنه و تشنه عدالت او باشند». با این حال، اکنون عیسی به دنبال عدالت عمیق‌تری می‌رود؛ و عیسی آن را از سر به قلب منتقل می‌کند. بنابراین، این نوع جملات را از عیسی می‌شنوید: «شنیده‌اید که گفته شده، زنا نکنید...»، حالا همه می‌گویند: «من هرگز زنا نکرده‌ام، هرگز طلاق نگرفته‌ام» «شنیده‌اید که گفته شده زنا نکنید، اما من به شما می‌گویم هر که به زنی نگاه کند، در دل خود زنا کرده است.» بنابراین، زنا، اکنون، از ده فرمان، «دزدی نکن، طمع نکن، دروغ نگو، قتل نکن، زنا نکن.» این یکی از ده فرمان است، اما عیسی می‌گوید اگر مردی به زنی نگاه کند و به او شهوت بورزد، در دل خود زنا کرده است. پس این یعنی همه کسانی که در این اتاق هستند، حداقل همه مردها، با نگاه کردن به زنی با شهوت در قلبشان، زناکارند؟ پس این نکته مهمی است. پس عیسی شریعت را می‌گیرد و آن را به قلب‌ها می‌کوبد.

به همین ترتیب، او در پایین می‌گوید: «شنیده‌اید که از قدیم گفته‌اند قتل مکن. اما من به شما می‌گویم هر که بی‌جهت از برادر خود خشمگین شود، در دل خود مرتکب قتل شده است.» عیسی می‌گوید که باید به آن پردازیم، خشم ریشه بسیاری از قتل‌هاست. لزوماً کاری که انجام می‌دهید مهم نیست، بلکه چیزی است که فکر می‌کنید؛ و این شخصیت شماست. بنابراین خشم، بذل قتل است. چرا عیسی می‌گوید که همه خشم‌ها اشتباه هستند؟ نه. خدا در عهد عتیق خشمگین می‌شود؛ عیسی در عهد جدید خشمگین می‌شود؛ عیسی در کتاب مکاشفه خشمگین می‌شود. من

فکر می‌کنم در گفته پولس آمده است: «خشمگین باشید و گناه نکنید.» خشم می‌تواند به قتل منجر شود، بنابراین او می‌گوید اگر در دل خود خشم بورزید.

روزی روزگاری، بیش از یک دهه در یک زندان فوق امنیتی در زندان ایالتی ایندیانا در شهر می‌شیکان تدریس می‌کردم. من در کالج گریس تدریس می‌کردم و بعد شب‌ها سوار ماشینم می‌شدم و به زندان ایالتی ایندیانا در شهر می‌شیکان می‌رفتم و چند ساعت در آنجا نیمه‌خواب تدریس می‌کردم و بعد به خانه برمی‌گشتم. اما مردم همیشه می‌گفتند: «چطور با این افراد در زندان ارتباط برقرار می‌کنی؟» و پاسخ این است که دلیل اینکه می‌توانم با افراد در زندان ارتباط برقرار کنم این است که، همانطور که می‌گویید، همه این افراد در خانه بزرگ، فوق امنیتی، با دیوارهای چهل فوتی، به ضخامت ده فوت هستند. فکر می‌کنم که در سال ۱۸۶۵ افتتاح شد، بنابراین واقعاً قدیمی و فرسوده و با این دیوارهای عظیم است. چگونه می‌توانستم با آنها ارتباط برقرار کنم؟ خب، عیسی گفت که اگر از برادرت عصبانی بوده‌ای، قبلاً در قلبت مرتکب قتل شده‌ای. بنابراین من در این زندان دوستانی دارم که قاتل هستند، و شما می‌گویید چگونه می‌توان با این قاتلان ارتباط برقرار کرد؟ چون من همان هستم. من هرگز واقعاً کسی را نکشتم، اما در درون خود نیز مرتکب جرم شده‌ام. به جرم زنا، بعضی از این مردها به جرم تجاوز جنسی آنجا هستند، من به زنی با شهوت نگاه کرده‌ام، اما وقتی به زندان می‌روم، آیا آن مردها با من خیلی فرق دارند؟ نه، آنها برادران من هستند؛ چون می‌دانم ریشه کارهایی که آنها انجام داده‌اند در من هم هست. عیسی تنها دلیل حضور من در بیرون از زندان است.

بنابراین چیزی که من می‌گویم این است که عیسی مفهوم گناه را در قلب‌ها می‌نشانند تا همه گناهکار باشند، بنابراین عیسی آنها را نجات خواهد داد. ماموریت اصلی عیسی چیست، نام او به چه معناست، "یهوه نجات می‌دهد." از چه چیزی نجات می‌دهد؟ نام او عیسی است زیرا "او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد." این کاری است که عیسی انجام می‌دهد، او آمده است تا برای گناهان مردم بمیرد. این نکته اصلی مسیح است. گاهی اوقات در فرهنگ مدرن به نظر می‌رسد که ما پیام انجیل را به پیام انجیل یعنی کمک به فقرا تغییر می‌دهیم. انجیل اجتماعی، مسائل عدالت اجتماعی - بنابراین ما در مورد مسائل عدالت اجتماعی خیلی بحث می‌کنیم و من تعجب می‌کنم که آیا ما نکته اصلی را از دست داده‌ایم، اینکه عیسی آمد تا مردم را از گناهانشان نجات دهد. اکنون ما به مردم می‌گوییم که انجیل یک مسئله عدالت اجتماعی است و من به مردم می‌گویم، "نه، عیسی آمد تا مردم را از گناهانشان نجات دهد." ما ابتدا باید این را درک کنیم و این باید تمرکز اصلی ما باشد. اما در ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰ سال گذشته تغییر ظریفی در فرهنگ ما رخ داده است. حالا، حتی چیزی که گفتم هم برای برخی بسیار توهین‌آمیز خواهد بود، چون من به ندای اصلی عیسی برمی‌گردم، اینکه او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد. این یعنی شما باید درک کنید که مردم گناهکار هستند و ما می‌گوییم: "نه، نه، ما نمی‌خواهیم اینطور فکر کنیم." اما این راه خداست - نام او عیسی است.

### میلا دی .یک پارسایی اساسی [96:55-42:99]

در متی فصل ۳۶:۱۲، عیسی می‌گوید که ما در روز داوری برای هر کلمه‌ای که از دهانمان بیرون می‌آید، پاسخگو خواهیم بود. این یک زبان بسیار تند است. بنابراین عیسی می‌گوید که او از شاگردانش عدالت بهتری می‌خواهد؛ عدالت او باید از قلب سرچشمه بگیرد. فقط دانستن اینکه چه چیزی درست است کافی نیست. باید در قلب باشد، تا جایی که به خشم و شهوت برسد. عدالت بهتر از طریق دهان به دست‌ها حاصل می‌شود. کاری را که آنها انجام می‌دهند انجام ندهید، کاری را که به شما می‌گویند انجام دهید، کاری را که با دهانشان می‌گویند انجام دهید. شما این کار را انجام می‌دهید، به عبارت دیگر، دستان شما باید در کار خدا درگیر باشند، نه فقط کاری را که آنها می‌گویند انجام دهید. آنها کاری را که آنها می‌گویند انجام نمی‌دهند؛ شما باید کاری را که کلام می‌گوید انجام دهید.

عدالت اصلی، عدالت اصلی که متی مطرح می‌کند چیست؟ عشق به خدا، متی فصل ۲۲. دو فرمان بزرگ چیستند؟ از عیسی پرسیدند که خلاصه آموزه‌های عهد عتیق چیست، آموزه اصلی در اینجا چیست؟ عیسی می‌گوید: «خب، خدا را با تمام قلب، روح و ذهن خود دوست داشته باش و همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش.» آن عدالت اصلی این نیست که من از هر کس دیگری بهتر هستم، بلکه عشق به خدا و عشق به همسایگان است. آیا عشق سخت است، آیا نفرت ورزیدن آسان‌تر است یا دوست داشتن آسان‌تر؟ نفرت ورزیدن آسان‌تر است، دوست داشتن سخت است. یکی از دشوارترین کارهایی که در زندگی انجام خواهید داد، دوست داشتن شخص دیگری است. دوست داشتن سخت است و عیسی می‌گوید کسانی که خدا را دوست دارند و دیگران را دوست دارند، این دو چیز، چیزهای اصلی هستند. حالا او قرار است در مورد شاگردان و درک آنها صحبت کند - فکر می‌کنم دفعه بعد به این موضوع خواهیم پرداخت و شاگردان را بر اساس درک آنها بررسی خواهیم کرد.

رونویسی توسط استفانی بویلون

ویرایش شده توسط بن بودن

ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت